

# بیکار

۴۹

۱۶ صفحه

- ۱۳ صفحه مردم و نما ییگا ه "زندگی و مبارزات زنان زحمتکش"
- ۱۰ صفحه پیام نوروزی و سیاست رژیم در سال جدید (۲)
- ۷ صفحه در انتخابات مجلس شورای ملی، با زهم ارتجاع ارمنی افشا میشود
- ۸ صفحه ترور انقلابیون شیوه رسمی رژیم!
- ۱۱ صفحه گرامی با دخالطه رفیق شهیدنا مرتوفیقیا ن
- ۱۲ صفحه ملی شدن صنعت نفت یکی از دستاوردهای بزرگ خلق ماست (۲)
- ۱۶ صفحه همصدا با مبارزان فلسطینی جنایت جدید آمریکا را محکوم میکنیم

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ بهای ۲۰ ریال

## اتحاد ۳۴ شورای کارگری و رهبری اعتصاب کارخانه های گیلان نوید بخش رشد و تشکل بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران

کس، کس دست بگیرید  
تا آمی حق فکیریم  
منتعد شویم تا حقمانرا بگیریم

صفحه ۳

## سرکوب خلفها فریب تنوده ها چشمک به امریکا

وقتی که از چندین روز قبل از برقرار ی مراسم نخستین سالروز جمهوری اسلامی، خبر "سخنان مهملی" که بنی صدر در این مراسم خواهد گفت، توسط رسانه های گروهی پخش میشد، روشن بود که این بسیج برای چیست، روشن بود که برای بنی صدر تعداد جمعیتی که سخنان را تکبیر گویان نثارند خواهد کرد، بسیار اهمیت دارد. اگر حزب جمهوری اسلامی دیگر قادر نیست علیرغم توسل به "خدا و پیغمبر" و هزار رحبله و ترغیب دیگر، تنوده ها را تحت پرچم خود به خیابانها بکشد، بر عکس بنی صدر این بوزوای ربا کار با دمکراسی نمائی خود، در مقابل سیاست رباکاران هنوز بسیار مهم و موق است (این موقیت بنی صدر، در عین حال فاجعائی است برای سازمان مجاهدین که به تکبیر گویان او بدل میشوند). بهر حال روشن بود که بنی صدر تنوده ها را با پشتوانه خلفها و بویژه خلق کرد و ترکنم را با پشتوانه تکبیرشما هر چه بیشتری از مردم، موثرتر میدانند. او این بسیج، البته وسیله مناسبتی است تا از این طریق اراده خود را، اراده تنوده ها جا بزند.

اگر بخوانیم هیئت آنچه را که بنی صدر در این مراسم بیان داشت در یک جمله خلاصه کنیم، با دیدگوشم که آقای "بخت آزاد" سخنانش را با تهدید و حمله به خلقها و بویژه خلق کرد و ترکنم شروع کرد، با یک دوجین وعده شریکین ادا مدها دوسرانجا چشمکی به آمریکا بیا بکشید، اما از این میان آنچه که میباید بروی آن انگشت گذاشت، همان قسمت اول سخنانش، یعنی تدارک ذهنی یورش مجدد به کردستان است که در این روزها با نقل و انتقالات ارتش در منطقه و کنترل برخی مراکز و جاهای حساس از طرف آنها ابعاد گسترده تری بخود گرفته و با دیگر کردستان را در آستانه جنگ قرار داده است.

سال "سال امنیت" است و طبعاً سخنان بنی صدر نمیتوانست بر محور لزوم استقرار "نظم" استوار رنبا شد، اما برقراری "نظم جز" در پرتو عمل قهرمیسرنیست و این خود پیش از همه آلت فیر، یعنی چاق می طلبید، لکن در حال حاضر اگرچه "سیاست چاق" یکی است، لکن خود چاق بیش از یکی است؛ ارتش، سپاه پاسداران و کمیته ها اگر چه در خدمت به بوزوای شان نه شان یکدیگر میسیند، ولی در عین حال و در بسیاری موارد در خدمت به بوزوای، در مورد پاسداران و کمیته ها، حکایت "دوستی خاله خرس" است. در همین بقیه در صفحه ۱۴

## نگاهی به مبارزات پرشکوه کارگران کارخانه مینو و درسهای آن

صفحه ۳



## پیام کارت: اظهار رضایت از پیام نوروزی

اول ثل هفته گذشته انتشار پیام کارت سرودای زیادی بر اه انداخت. مقامات حکومتی از بنی صدر گرفته تا حاج احمد مینو و از قطب زاده گرفته تا دیگران همه در راه دیو سلویزیون و مطبوعات راجع به آن سخنبا گفتند. اما عمده تلاش آنان بر این بود که ثابت کنند این پیام را خود کارگران تر داده و تکذیب بعدی واشکنن در این مورد نا روا و دروغ بوده است. اما برای مردم زحمتکش و مبارزان اصل مسئله این نبود که این پیام بعد از چه دلیلی از جانب کاخ سفید تکذیب شد یا نشد، بلکه بقیه در صفحه ۲

## نگاهی به نتایج انتخابات مجلس شورایی ملی

مرحله اول انتخابات بیابان رسید و با اعلام نتایج آراء کا ندیدها، وضعیت کسانسی که اکثریت مطلق را بدست آورده و به مجلس راه یافتند، روشن گردید. اگر چه قضاوت در مورد این نتایج را می بایست قاعدتا به نتایج قطعی آراء پس از به بیابان رسیدن مرحله دوم موکول کرد، لیکن با توجه به نتایج مرحله کنونی و با توجه به شرایطی که انتخابات در آن صورت گرفته با شرایطی که بر مرحله دوم انتخابات نیز سایه خواهد انداخت، از هم اکنون می توان خطوط اصلی این نتایج سیاسی را ترسیم نمود و نتایج چندا بیامون مسائلی که در جریان انتخابات و ساز آن واقع شده است، با زگو کرد. از همان ابتدای شروع انتخابات، بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به نتایج ...

مبارزه طبقاتی جاری در کشور، به با رزترین شکلی خود را در این صحنه مبارزه بنیادین سیاسی ساخت، آرایش نیروهای سیاسی در جریان انتخابات، موقعیت این نیروها، رفتار سیاسی آنها در این صحنه مبارزه و مسائلی که در جریان این انتخابات واقع گردید ... از این واقعیت حکایت داشت، همه نیروهای سیاسی کشور، از مواضع گوناگون و بدلیسل قابل فهم، برای ارتقاء موقعیت خود در این صحنه مبارزه زنده پیدا به تکیه بر افتادند.

در میان نیروها و محافل سهیم در قدرت سیاسی و با وابسته به آن، که در عرصه انتخابات و وسیعاً عرض اندام کردند، از سه جریان اصلی می توان نام برد که در این مبارزه با برتریها قرار داشتند و موقعیت آنها در این انتخابات با توجه به نحوی موجود در قدرت سیاسی را منعکس می نمود، این سه نیرو که تحت نام های مختلف در انتخابات شرکت کردند عبارت بودند از: حزب جمهوری اسلامی (و بعداً پس از اختلاف با برخی نیروهای دیگر "اكتلاف بزرگ")، "دفترها همگامی همگامی های مردم پارسی جمهوری" و "همنام". این سه نیرو که پایه های اصلی قدرت حاکم را تشکیل می دهند، از همان ابتدا معلوم بود که اکثریت قاطع آراء انتخاباتی مجلس را بخود اختصاص خواهند داد، و این مسئله نه فقط بطور عام در رابطه با نفس ما هیت پارلمان و نتایج انتخابات بنا پذیر مترتب بر مبارزه با رلمانسی در سایه حکومت سرمایه، بلکه بطور خاص در رابطه با موقعیت سیاسی کشور، سطح آگاهی شده با وضعیت حاکم بر انتخابات که مسیلا قابل پیش بینی بود.

هریک از جناح های مختلف سهیم در قدرت که تحت نام های سگانه فوق، به صحنه آمدند از همان ابتدا با تمام قوا تلاش کردند که سهم بیشتری از کرسی های پارلمانی را به خود اختصاص دهند، اما همه آنها در این راه موفق نبودند. برنده اصلی در این میان، همانطور که نتایج انتخابات نیز نشان داد، حزب جمهوری اسلامی بود که با اختصاص حدود ۳۰ کرسی های مجلس در مرحله اول (طبیباً در مرحله دوم هم چنین نسبتی حفظ خواهد شد)، در تعیین سیاست ها و برنامه های مجلس، نقش غالب و تعیین کننده را ایفا خواهد نمود.

آن عوامل در زمینه ها که امکان داد تا این "حزب" در عرصه انتخابات به چنین موفقیتی نائل آید، (علیرغم آنکه در یک ارزیابی عمومی بنظر می رسد، که این حزب از مجلس خبرگان بنیاد، در مقیاس وسیعی پایگاه خود را از دست داده است) می توان چنین بیان کرد.

**اولاً:** این حزب در طی ایسین دوران کوشیده است تا با به مینه زدن مکرر و مسامحه سنگ پیروی از "خط امام"، از تهم و اعتماد نا آگاهانه ای که توده های وسیع مردم نسبت به "امام" و "خط امام" دارند، سوء استفاده نماید. حمایت های مکرر آیت الله خمینی از رهبران این حزب (که در شورای انقلاب حضور دارند)، زمینه های ذهنی چنین سوء استفاده ها را از جانب این حزب، پیش از پیش فراهم ساخته است.

**توضیح:**

مادرش از قبل اعلام کرده بودیم که ضمیمه بیکار ۴۹ از هفته ای که گذشت منتشر خواهد شد. موقتاً به علت موقعیت بد اقتصادی این ضمیمه بنیادین و نتایج ضمیمه مربوط به انتخابات در اول این هفته منتشر شد.

بقیه از صفحه ۱

پیام ...

مسئله اصلی این بود که این پیام جریانی است پس از تقسیم نوروزی داده شده است و محتوای آن چه چیزی را بیان می کند؟ البته در مورد پیامی که محتوای آن کسائی چون قطب - زاده ظاهر نظر نمودند و دست خود را با زهم بیسترو کردند، این جناب به اصطلاح "قاطع" و "خط امامی" ارسال پیام کارتر را یک پیروزی دانستند! چرا؟ چون کارتر در این پیام به اشتباهات گذشته خود اعتراف کرده است. آری این هوجی حامی امپریالیسم روابست امپریالیستی و ظالمانه ده ها ساله امپریالیسم آمریکا و خلقهای ایران را ناشی از یک "اشتباه" می دانید و اصطلاح اعتراف کارتر جنایتکار در پی پیام آیت الله خمینی را یک پیروزی! بقیه مقامات رسمی نیز کم و بیش بهمین مسئله که تبلیغ آتای کارتر به "اشتباه" است "آمریکا اعتراف کرده است" اشاره کردند منتهی آنها اینقدر احمق نبودند که آنرا یک "پیروزی" قلمداد نمایند!

اما از این مورد که بگذریم مقامات جمهوری اسلامی سکوت در مورد محتوای پیام را به صرف تردیدند. زیرا این پیام پیش از هر چیز دیگر در واقع سند افشای خود رژیم است.

**چرا پس از پیام نوروزی پیام کارتر؟!؟**

در رابطه با این پیام اولین نکته ای که باید اشاره کرد این است که چرا بلافاصله پس از پیام نوروزی مقامات کشوری، آیت الله خمینی و منتظری و بنی صدر که هر سه دارای محورهای مشترک است، آتای کارتر به آیت الله خمینی پیام می فرستد. (البته همه می دانیم که قبیل از این پیام نیز کارتر به پیام دیگری به بنی صدر ارسال داشته است). دلیل را از زبان کارتر بشنویم. او می گوید "من امکان این را داشتم که با ۲۱ مارس (چهارم اول فروردین - بهشت زهرا) شما را خطاب به مردم ایران بخوانم". سپس او می گوید "من این پیام را یک سند اساسی برای آینده کشور ما تلقی می کنم... این برای من ملاحظه می شود که این پیام پس از خواندن پیام نوروزی آیت الله خمینی و به دلیل اهمیت و محتوای این پیام نوروزی فرستاده شده است. کارتر به این دلیل پیام نوروزی را سند اساسی می داند که رژیم ایران در این پیام برنا صه آینده خود را که برنا صه است کاملاً ضد کمونیستی و در جهت ایجاد امنیت برای سرمایه، روشن ساخته است. سیاسی که کارتر را خوشحال کرده است! کارتر در ابتدای پیام خود به نکته اصلی پیام نوروزی که در واقع محور سیاست خارجی رژیم است اشاره کرده و

میگوید: "... در این پیام شما موضع خود را در سیاست بین المللی مشخص نموده اید. این امر مورد توجه ما است."

**نه شرقی! نه غربی! ...**

چرا موضع بین المللی آیت الله خمینی "مورد توجه" کارتر است؟ بینیم موضع آیت الله خمینی (که همان موضع بنی صدر هم هست) در سیاست بین المللی چیست. در پیام نوروزی آمده است "... خطر قدرت های کمونیستی از آمریکا کمترین است... و با ما با کمونیسم بین المللی بهمان اندازه درستی میزنیم که با جها نخوانان غرب ...". این موضع در واقع همان موضع قبلی سران رژیم یعنی "نه غربی! نه شرقی!" است. منتهی این بار با تاکید و صراحت بیشتری بیان شده است. این موضع در حرف و در شعار: امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و کمونیسم را دشمن مردم ایران معرفی میکند. این خود خدایت به توده ها است چرا که دشمن اصلی خود های ایران امپریالیسم آمریکا است و وسیع مردم حول شعار "نه شرقی و نه غربی" در واقع منحرف کردن ذهن توده ها از دشمن اصلی خود و بنا بر این خدمت به امپریالیسم آمریکا - است. این شعار بنا بر خدایت بیوزوزی و خرده بیوزوزی مرفه سنتی، با طبقه کارگر و با ایدئولوژی وی در سطح جهانی می باشد. این شعار در واقع پوششی است برای نوازی سرمایه داری و وابسته ایران که از جانب طبقه کارگر و ایدئولوژی وی مورد مخالفت قرار گرفته است.

اما امروز در عمل این سیاست و این شعار چگونه اجرا میشود؟ نظری به سخنان آتای بنی صدر می اندازیم: اولاً طبقه پس از رسیدن به ریاست جمهوری در زمینه سیاست خارجی از وحدت و اشتراک عمل با ترکیه سخن می گوید و ترکیه ای که کشور وابسته و هم پیمان با امپریالیسم غربی را متحد استراتژیک ایران معرفی می نماید! و با درو زده های اخیر آتای بنی صدر از اتحاد عمل و وحدت اسلامی با پاکستان، یعنی رژیم که مزدور امپریالیسم آمریکا است سخن می گوید. بنا به بر این ملاحظه می کنیم که متحدین منطقه ای رژیم جمهوری اسلامی همان ها ئی هستند که با رژیم شاه و با حاکمیت امپریالیسم آمریکا و انگلیس در پیمان استنوعویت داشتند! همینطور آتای بنی صدر عرصه بین المللی به گسترش روابط ایران با امپریالیسم ژاپن و امپریالیسم استعماری اروپائی علاقمند است. افغانستان نیز که جای خود دارد، موضع قاطع بنی صدر و آیت الله خمینی و تمام جناح های حاکم در کمک به ارتجاع مذهبی افغانستان

و یا "همنام" (درواقع جناح های مختلف بورژوازی لیبرال) فاقد چنین امکانات طبیعی و گسترده ای هستند.

**ثانیاً:**

این حزب، در دستگاه اداری و بوروکراتیک درست از بالا تا پایین درازای نفوذ گسترده ای است. بسیاری از اعضا مسخره جرائی این ارگانها بخصوص در رؤس آنها، (که بس از قیام کمکارده شده اند) وابسته به این حزب و با حداقل در طرف این جریان قرار دارند. از این شعار است فرمانداران، بخنداران، استانداران و ... در شهرها، بخشها، استانها و ...

این امکانات و نفوذ گسترده در دستگاه های اجرائی کشور، بطور مشخص در انتخابات به این حزب امکان میداد که با اسکال به مختلف در کنار حزب منسیر انتخابات و آراء به نفع نمایندگان حزب جمهوری اسلامی (چه از طریق به اصطلاح قانونی مثلا تصویب و

"تحت عنوان کمک به انقلاب اسلامی افغانستان چیزی جز همکاری عملی با امپریالیسم غرب و وپاکستان در این کشور نیست. بنا بر این ملاحظه می کنیم که شعار "نه شرقی و نه غربی" در عمل چگونه منفع غرب و امپریالیسم غربی تمام می شود.

**چپ و راست نابود است!**

اما کار بر این شعار در عرصه داخلی که با شعار "چپ و راست نابود است" سلام پیروز است "مشخص می شود در رابطه منطقی بنا بر مواضع قرار دارد. این شعار در ظاهر هر چه "چپ" یعنی نیروهای انقلابی کمونیست هم "راست" یعنی مزدوران و فیلان داخلی امپریالیسم را دشمن داخلی توده ها معرفی می کند و سلام را (که ما سلام را!) پیروز می داند، اما در عمل چی؟ مردم ما شاهد هستند که چپ و راست و لیبرالها در شورای انقلاب و دولت و ارتش فرمان امورا بدست دارند. بنا بر این منظور از "راست" چیست؟ آیا بازگان و چمران و فلاحی ویزدی و بهشتی ... "راست" نیستند؟ از نظر میلیونین این شعار نه! پس این شعار در عمل صرفاً چپ و نیروهای انقلابی کمونیست را مورد حمله قرار می دهد و این سیاستی است که بس از قیام ما اعدا کمونیستها و توقیف روزنامه های آنان و تبلیغات مشابه روزی دروغین از ایدئولوژیون و مطبوعات شاهدش بوده ایم.

زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی حق دارد وقتی از سیاست آمریکا در رابطه با گروهگانها (که خود کارتر در پیام اخیرش آنرا امری گذرآمیاند)، دچار نگرانی میشود بگوید که: "آمریکائی ها از لحاظ رژیم جمهوری اسلامی ایران غفلت کنند، چپ ایران جان درسی به آنان خواهد داد که آنرا هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم ایران مهلت دهید که جنگ آینده اش با چپ ایران است و امید می رود که بدون کمک خارجی بتواند چپ را سرکوب کند".

روزنامه "السیا" به چاپ کویت مورخه ۱۹۸۰/۱/۱۲) بنا بر این ملاحظه می شود که هم شعار "نه شرقی و نه غربی" و هم شعار "چپ و راست نابود است" در عمل چیزی جز سرکوب طبقه کارگر و کمونیستها نیست، عملی که دقیقاً در خدمت امپریالیسم غربی و در راه آنها امپریالیسم آمریکا قرار دارد. بنا بر این آتای کارتر حق دارد که سیاست خارجی ایران را "مورد توجه" قرار دهد.

کوشه های دیگر از پیام کارتر را در شماره آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد. ■

اجرای قوانین انتخاباتی بنفع این حزب و سایر: استفاده از مقام و موقعیت خود و چه از طریق غیر قانونی و انجام تقلبات و تخلفات گسترده بنفع این حزب).

۲ عامل آخری، نقش اساسی را در دست زدن به تقلبات و تخلفات انتخاباتی از جانب این حزب ایفا نمودند، عواملی که جناح های دیکر هیچ وجه این چنین گسترده و وسیع از آن برخوردار نبودند و نیستند.

این امتیازات و برتریها در عرصه مبارزه انتخاباتی، حزب جمهوری اسلامی را ترغیب نموده از نزدیکی به دیگر جناحها، بخصوص جناح بنی صدر، علیرغم تمام تلاشها و تمایلات آتشین "وحدت طلبانه" آنان بهره رکنند و رغبت چندانی به دادن دست دوستی و ایجاد اختلاف با آنها، از خود نشان ندهد. در واقع ائتلاف با جناح های دیگر و بقیه در صفحه ۱۵

**برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق**

# پیکار



## نگاهی به مبارزات پرشکوه کارگران کارخانه مینو و درسهای آن

مقدمه

کرد و آنجا از طریق عواطف سنگ انداز می کرد که شورا از مقابل بله با آن عاجز بود، این مسائل شورا را به این فکر انداخت که در هیئت مدیره شرکت کند.

سراجا مشورا بدنبال تلاشهای فراوان و مراجعه به مقامات دولتی توانست بسیاری ستن از افرا دشورا حکمی بکشد و آنهم بدین مضمون که این افرا دظنمرا در کارخانه حفظ کرده و سطح تولید را بالا ببرد. بدین ترتیب شورا با انتخاب سه نفر و فرستادن آنها در هیئت مدیره ۵ نفره کارخانه آنها بمنظور بدست گرفتن قدرت از بالا بزرگترین استیفاء دوران کار خود را انجام داد. این عده مدتی بعد اعتراف کردند که جماعتی بالای سر کارگران شده اند.

بدنبال اعلام طرح ضد کارگری شورا ای انقلاب در باره سودویزه، این طرح بسیار مخالفت شورا و با مخالفت سرخستانه کارگران روبرو شد. اما شورا بجای مخالفت سرخستانه با این مسئله تنها به صدور اعلامیه ای که در آن نظرسنجی را راجع به سودویزه اعلام کرده بود، اکتفا کرد. ولی از آنجا شیکه کارگران عمل می خواستند، نظرها را خوب خودی اژستند. های لیوازم آرایش و داری و ساری علیه شورا به سمت دفتر شورا شکل گرفت. کارگران در این نظرات خواستار منحل کردن شورا و تشریح بیانی و ایجاد یک شورا واقعی شدند.

در رابطه با تقسیم سودویزه شورا بر طبق جدول ضد کارگری شورا ای انقلاب، این حامی سرما به داران عمل کرد. این تصمیم همگی که سودویزه پرداخت گردید، اثر خود را نشان داد. کارگران در روسازی و لیوازم آرایش دست به اعتصاب زدند و بدنبال آن خواستار شرکت نکردن نمایندگان خود در شورا شدند. سراجا موروزیکشنیه ۵۸/۱۱/۲۸ در طی دومین مجمع عمومی که هیئت کارگران از قسمت بنگک تشکیل شده بود، نخلال شورا اعلام شد و شین - نامه جدیدی که در آن از ورود عوامل کارفرما، نمایندگان سندیکای سابق، سرپرستها، مسلطین حزب رستا خیز و... جلوگیری بعمل می آمد و بنظر کارگران رسید و با تشکیل بنگک هیئت نظارت که از قسمتهای مختلف جمع شده بودند تقرا بر این شده که انتخاب بیابری شورا ای جدید صورت بگیرد.

از طرف دیگر کارمندان آزمایشگاه دارویی و آرایشی برای رسیدن به خواست - هایشان دست به اعتصاب زدند و بودند. صبح روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۹ حاج علی خسرو - شاهی برای مذاکره با کارمندان وارد کار - خانه شد، همینکه این خبر بگوش کارگران داروسازی رسید آنان این خبر را بگوش کار - گران فنی، آدامس، شکلات و... رسانده و با یک طرح مشترک با جمع کردن دوسه نفر از هر - کدا، از این قسمتها و با تنظیم خواهشهای کار - گران عام و ملاقات با خسرو شاهی شدند. تعداد کارگران حدود بیست نفری میشد، هنگامیکه کارگران با خسرو شاهی ملاقات کردند، وی گفت من امروز مرخصم فردا بیاید. و کارگران اظهار می دارند که تا گرفتن خواهشهایمان نخواهیم رفت.

**گروگان گیری سرمایه دار خصوصی وابسته**

کارخانه مینویکی از مهم ترین و بزرگترین - ترین کارخانه های صنایع غذایی و دارو - ثی در ایران است. این کارخانه در یک کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج واقع و سهام دار عمده و موسس آن حاج علی خسرو شاهی است. وی علاوه بر این شرکتها مدار شرکت علاء الدین و صاحب شرکت های بروسویش، خوراک، علمی و کار - خانه مینو خرمدره و نیز صاحب تاسیساتی از صنایع غذایی در عربستان سعودی میباشد. خسرو شاهی در جریان اوج گیری مبارزات خلقیای تهران ایران از ایران گریخت (عاشوری ۵۷) و آنجا که مطمئن شد هیئت - ها که جدید بستنیان سرما به داران است و نه حامی کارگران و زحمتکشان در اسفند ۵۷ با - خا طری آسوده، برای ادا مانع استقامت روغارت دسترچ کارگران به ایران بازگشت.

کارگران کارخانه مینو در زمان رژیم مزدور شاه از سابقه مبارزاتی کمی برخوردار بودند. برینا به مای وسیع امنیتی از طرف رژیم و کارفرما در کارخانه از قبیل کمیته حافظ، نیروی بیداری، کارنوئهای حزب رستا خیز، سیستم خبرجینی در قسمتها، ایجاد شبکه تلویزیونی مدار بسته در قسمتها و حتی درختکشی، و... همه گونه حرکت کارگران را زیر نظر داشت.

### قسمتی از کارنامه شورا

بعد از تاسیسات مینو که همدومین ماه، شورا ای کارگری کارخانه در اسفند ماه همان سال توسط شین چند کارگر کارگران و کارمندان بطریق انتخاب به هیئت از هر قسمت تشکیل گردید. ترکیب اعضا این شورا عبارت بود از عوامل کارفرما با با بندی حدود ۱۰ نفر، نمایندگان مترقی با تعدادی کم و بقیه کسه اکثریت شورا را تشکیل می دادند. افرادی نا آگاه به مسائل صنفی - سیاسی.

شورا با این ترکیب توانست در ابتدا مقداری بول بعنوان حق السهم از منافع سهامداران به مقدار ۱۰۰ تومان برای کار - گران بگیرد، میزان دستمزد را قبل از افزایش حقوقی تا توسط دولت ده تومان افزایش دهد، بجنس نه به راه تعطیل و بحای آن یک ساعت بر ساعت کار روزانه بیفزاید، شریک ای نسبتاً مترقی بیابری با تارانترا ردهد و... اما شورا در ادامه کار خود نتوانست مقداری عمومی کارگران را از قبیل ۴۰ ساعت کار در هفته، رفع تبعیض بین کارگر و کارمند، اطلاع طرح طبقه بندی منافع و... برآورده سازد، از اینروروز برروزنا رضایتی کارگران از آن بیشتر می شد.

موج اعتراضات کارگران بالا میکوفت، آنها از اینکه برای طبقه بندی منافع وضع اسفناک آن که مانعی بود برای افزایش حقوق و رشد آرائی کارگران فکری نمیشد آفته بودند. آنان از اینکه ساعات کارشان کم نشده بود اعتراض می کردند، ولی شورا بعضی اینکه از این خواهشها حرکت کرده و با نیروی کارگران به مبارزه ای - امان علیه کارفرما دست برنمیاندازد که در قدرت مدیریت سپیم کرده، حرا سوز به ایمن فکرا مانده بود.

شورا به هر زمان دولتی مراجعه میکرد، جواب سربالای می شنید، در برخورد با کارفرما هم، خسرو شاهی آنجا ن زیرکانه مخالفت می -

## اتحاد ۳۴ شورای کارگری و رهبری اعتصاب کارخانه های گیلان نوید بخش رشد و تشکل بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران

در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۲ با استناد ریگیلان و نماینده اما بدون هیچگونه نتیجه مثبتی خاتمه یافت. در رابطه با این نشست اتحاد شوراها "طعمه" شماره ۳ خود را انتشار دادند و ضمن آن نظرات استناد ریگیلان و نماینده اما مرا در باره خواستهای توضیح دادند. بدنبال انتشار این طعمه (که قسمتی از آن در پائین صفحه آمده است)، و به دستور اتحاد شوراها کارخانه های وابسته از خروج کارهای تولیدی جلوگیری کرده و از روز چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه اعلام اعتصاب عمومی نمودند.

رهبری این اعتصاب را "اتحاد شوراها" بعد از مدت و هر روز با برپائی جلسات متعدد مشکلاتی که در هر کارخانه بوجود می آمد مورد بررسی قرار می داد. اتحاد شوراها کارگران گیلان بسیاری اعلام داد مای که انجام داده و عکس العملی که مقامات استان نشان داده بودند. روز ۲۰ اسفند، روروز نشانی رشت میبخت با تکوئی برگزار نمودند در آن دهها هزار کارگر مبارزان ۳۴ کارخانه گیلان مانند بوسویش، توشیبا، ایربریلان، فیپرا، ایران، فرش گیلان، ایران برگ و... شرکت کرده بودند.

در این گروه مای چند تن از نمایندگان کارگران سخنرانی کردند که در زیر قسمتها ای از سخنان آنان را ملاحظه می کنید. یکی از نمایندگان کارگران ضمن سخنانش گفت:

"ما را بعنوان ضد انقلاب... متهم می کنند... ما مدیران ضد انقلابی و ضد کارگر را افشاء کردیم و از کارخانه بیرون انداختیم ولی عملاً دیدیم که آنها بی که بعنوان ضد انقلاب بیرون کردیم ما بی مقام بالائی شدند! ما نند آقای جزا ثری... یکی از هدفهای ما برسمیت شناختن شورا های کارگری است... ما کارگران برای تشکیل این شوراها تا آخرین قطره خون خود دفاع و مبارزه خواهیم کرد..."

این کارگر ما را زرد زرد خلال سخنانش به جلسه ای که با استناد رونمایند، امام در کارخانه ها و در دستند تا ره کرد و گفت: "آقای لاهوتی در نما جمعه ما کارگران را که برای گرفتن حقوق خود ما رزه میکنیم ضد انقلاب خواند و سر ما به داران را نصیحت کرد که حق کارگران را بپایند ازند. آقای لاهوتی! اگر این موضوع را نمی دانید، بی بنده که سر ما به داران نصیحت نمی کنند بلکه با او مبارزه می کنند! حق دادنی نیست بلکه گرفتنی است... ما انقلاب کردیم، ما کارگران کشته داریم، اما آنچه نصیب ما شد بیگاری، تورم، اخراج، بدساعتن بیمه، مخالفت با شورا های کارگری و... پس از بیابان تقیه در صفحه ۵

در نیمه اول بهمن ماه ۵۸ جنبش کارگری در کارخانه های رشت (اگرچه بصورت پراکنده) اوج تازه ای گرفت. مبارزات کارگران کارخانه های این شهر که در آغاز کارخانه های چون، راف، پویش، سن و ماسو... شروع شد به منظور پیاپی ده کردن طرح طبقه بندی منافع و پرداخت سودویزه بود.

شورا های کارگری کارخانه های رشت در جریان مبارزات خود بزرگ همگاری و همکاری و انتقال تجربیات خود به یکدیگر پی برده و از این روبا رفت و آمده کارخانه های یکدیگر گذشتند. انتقال تجربه خود به یکدیگر اولین کارها را در جهت هماهنگ کردن مبارزاتشان برداشتند.

در نیمه دوم بهمن ماه ۵۸ بدنبال دعوت شورا "پویش" نمایندگان شورا های ۱۸ کارخانه در محل این کارخانه اولین جلسه خود را تشکیل دادند. در این جلسه هدا بیست آنرا شورا ای پویش بعد از مدت، بیابری و روشی مسائل مختلف و بررسی آنها قرار میبشد که نسبتها ادا مانع استیفاء شوراها برای شرکت در این نشست دعوت شود. در ضمن در جلسه بعدی بحث در باره "اتحاد شوراها" سودویزه، وضعیت کارخانه پویش (پ)، و... در دستور کار قرار گیرد. در نشست بعدی شوراها بیابری از بحث در باره سودویزه، طرح ارائه شده از طرف شورا ای انقلاب مردود اعلام شد.

در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۵۸ اولین نشست نمایندگان شورا های ۳۴ کارخانه تشکیل شد. در این نشست پیشنها تشکیل "شورای موسس" متشکل از نمایندگان شورا های کارخانه های گیلان (از رهرو شورا ای کارخانه یک نفر) به تصویب رسید، و بدین ترتیب اتحاد شورا های کارگران گیلان که نوید بخش تشکل های عالی تر طبقه کارگر ایران است پسا گرفت.

در این جلسه همچنین با توجه به بیابلا رفتن هزینه زندگی، مبلغ ۱۰ هزار تومان بعنوان حداقل سودویزه برای هر کارگر در نظر گرفته شد. اما این مبلغ با مخالفت شدید استناد رودیگر مقامات دولتی روبرو گردید. اتحاد شورا های کارگران گیلان طی طعمه شماره ۴ خود ۱۳ اسفند آخرین مهلت برای پاسخگویی مقامات استان و نماینده اما پدر رشت بطرح پیشنهادی آنها در باره "سودویزه" تعیین کرد. جلسه اتحاد شورا های کارگران گیلان

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



**پیروزی کارگران مبارز کارخانه دیسمان**

علی‌الحساب سود دریافت کنند (البته ایسین مقدار کمتر از مزایایی است که کارگران خواهان هستند) و نظارت و کنترل تولید را نیز بدست نوانا می‌خوابند. کارگران با بدیگری است کرده‌اند که طبقه کارگر تنها با مبارزات پیگیری خود میتوانند حقوق خود را از سرمایه‌داران زالمفقت و حکومت‌های آنها بگیرد. در جریان مبارزات کارگران این کارخانه بود که با مسئولیت کارگران آگاه آن نواقص وجود داشت که میتوان آنها را بصورت زیرخلافه کرد ۱ - با وجودیکه کارگران از زمینه عینی برای مقاومت در برابر سرمایه‌داران برخوردار بودند ولی موضعگیری‌های نادرست کارگران آگاه دست با ساداران را در فریب کارگران سارز - گذاشت. (آنها با بدتوهم کارگران را نسبت به با ساداران از بین می‌بردند) ۲ - در جریان مبارزه کارگران محیط برای تسلیخ و افشای آگاهانه نبود که آژان استفاده ننند. کارگران آگاه نمیتوانستند در واقع کارگران نشان می‌دادند که علت زورگوشیها و یکتازیه‌ها کارفرما حمایت دولت و عوامش آژانها (کارفرما) میباشد. در چنین شرایطی کارگران تنها با بدیهه مبارزات متشکل خودمکنی باشند و برای رسیدن به خواست‌ها ن خود اقدام کنند. پیروزی با دما زت حق طلبانه کارگران و زحمتکشان

کارخانه دیسمان در ۲۵ کیلومتری جاده امفیان به تهران واقع شده است. این کارخانه قطعات بیش‌ساخته تولید میکند و کارگران آن همگی بیمنای هستند. کارگران این کارخانه به تازمه تعداد بسیار آژانها دارند. در آسفندما هم منظم‌تر گرفتن یکسری ازخواست‌ها از جمله سود ویژه که کارفرما حاضر به پرداخت آن نبوده است به مبارزه زدند. در ابتدا چون هنوز کارگران نسبت به دولت و آژانها کارگزار خوشنایری زیاد داشتند و کوشیدند که از طریق آژانها که ربه خواستهای خود برسد، اما وقتی در عمل به نتیجه نرسیدند، مصمم شدند که خود دست بکار شوند. به همین جهت در مجمع عمومی روز ۵۸/۱۲/۲۵ ضمن افشای حیل‌های کارفرما نمایندگان او را به گرگان گرفتند و از خروج قطعات پیش‌ساخته نیز جلوگیری نمودند. (کارگران با تقسیم‌کار، بسیاری در ورودی و نیز گرگانها نگهداری می‌گذاشته بودند) در اینجا نیز مثل سایر کارخانه‌ها با ساداران یکمک نمایندگان آمدند، اما مسامحتی با همبستگی و یکپارچگی کارگران رویبرگشتند، از دردیگریا رفته و با فریب کارگرانی که هنوز نسبت به هیئت کارگم خوش‌بایوری و توهم‌دارند توانستند گرگانها را آزاد کنند. سراجا هم کارگران با مبارزات پیگیری خود با دستند مبلغ ۳ هزار تومان بصورت

"اچا دسراسری سورا های کارگران اسنان کیلان" بعنوان یک سها دواضی در اسر تولید و توزیع .  
۲ - به اجراء در آوردن طرح "سود و بسره" مصوبه اتحاد سورا های کارگران کیلان .  
۳ - نامین اعصابا رودعه: کارخانجات در جهت گسترش سورا متولید، تا زمینه ایجاد کار برای جذب سورا را فراهم نمود .  
۴ - دگرگونی در متولید بمنظور قطع وابستگی به کشورهای امیریا لیستی .  
۵ - تفوق سون کار آریا مهی که به اشکال مختلف در سراسر کشور اجراء می‌گردد و تدوین قانون کار جدید توسط نمایندگان واقعی کارگران .  
۶ - .....  
هر چه مستحکم‌تر با اتحاد و همبستگی کارگران نابودیا دیسمت سرمایه‌داری وابسته به امیریا لیسم

غیه از صفحه ۳ اتحاد ۳۴ ...  
یا فتن سخنان این کارگر مبارز یکی دیگر از نمایندگان منتخب اتحاد سورا ها "سخنرانی کرد و گفت:  
"... در سال جدید با ایحادا قتل مزدکار - گران با توجه به تورم و گرانی که بر سر ثا نه‌های کارگران سنگینی می‌کند تمویب گردد". وی پس از آنکه در باره تشکیل سورا ها و ضرورت همبستگی مطالبی در زمینه تاریخچه سود ویژه و علت مطرح شدن آن بیان کرد.  
در پایان کردها می‌تفطن ما: ۹ ماده - ای اتحاد سورا های کارگران کیلان قرائت شد. در قفطن ما: مذکور کارگران اعلام نمودند که هیئتی را برای مذاکره با رئیس جمهور به تهران اعزام میکنند و به اعتنا ب خود موقعا تا مشخص شدن نتیجه این مذاکرات با بیان می‌دهند. در زیر قفطن می‌اژ قفطن ما کار - گران را ملاحظه می‌کنید:  
۱ - برسمیت شناختن سورا های کارگران و

**پیروزی کارگران شرکت ساختمانی مولوی**

و خواستار دریافت آن شدند. مسئول کارگاه (مهندس کنگری) شبها تریاک می‌کشید و روزها می‌خواست بدوهرکاکا گری اعتراض میکرد و را اخراج می‌نمود. کارگران که از این وضع بجان آمدند بودند روز ۱۷ اسفند بنوان اعتراض کارگاه را تعطیل کرده و طی جلسه‌ای نماینده خود را انتخاب نموده و پس از تنظیم قفطن ما ۶ ماده‌ای آنرا به مسئولین شرکت دادند. مسئول کارگاه ابتدا شروع به ارباب‌گردد اما موقعیکه با سرسختی و مقاومت کارگران رویبرو شد اما می‌شعده پذیرفت که تا تاریخ ۵۸/۱۲/۲۷ تمام حقوق عقب افتاده آنها را بپردازد.

کارگران شرکت ساختمانی مولوی که راه‌بند رکنه به بستک را می‌سازند و حدود ۱۵۰ نفر در این بنا کار می‌کنند از لحاظ غذایی، بهداشتی و... قرا دارند. این کارگران ناچارند حتی تعطیلات رسمی هم کار کنند. مدت کار در این کارگاه ۹ ساعت است که ظاهرا یکساعت اضافه کاری بوده ولی هیچوقت حساب نمیشود. آنها از اول مهرماه تا ۵۸/۱۲/۲۵ حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده بودند مبلغ مخمتری بمنصوان مساعده میگرفتند، اما این مبلغ کفایت‌نیازهای اولیه آنها را نمی‌داد. کارگران بارها نسبت به عدم پرداخت حقوق خود اعتراض کرده

پیروزبا دیسمت سرمایه‌داری وابسته به امیریا لیسم

**اعلامیه**

کارگران مبارز، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما!

رژیم جمهوری اسلامی که بینه دم آژ مبارزه بر علیه امیریا لیسم آمریکا میزند، با زهم در پشت پرده و دور از چشم خلق قهرمان ما دست به خیا نخی دیگر بر علیه خلقهای مسابزه‌است.

در زمان رژیم و وابسته به امیریا لیسم شاه خائن، بدستور امیریا لیسم آمریکا قرا ر دادی دمرور خرید فزونه هوا پیما ای" پیراس " بین ایران و فرانسه منعقد شد، پس از قیام خورنن خلق در سپهم ماه ۵۷، این قرا ر داد فسخ شد، ولی دولت فرانسه با بت فسخ ایسین قرا ر داد مبلغ ۱۷ میلیون دلار ادعسای خسارت نموده بهمت! دکتریزدی خائن... که در آن زمان وزیر امور خارجه بود، این مبلغ که از شما ما کارگران و زحمتکشان بدست آمده بود، دوستی تحویل امیریا لیسم فرانسه شد.

دوما بعد رژیم جمهوری اسلامی، همان قرا ر داد آریا مهی را بدون دریافت آن، ۱۷ میلیون دلار با صلاح خسارت، به امیریا لیسم فرانسه منعقد کرد و این در حالی است که صدی ۵۲ سهام شرکت "پیراس" متعلق به امیریا لیسم آمریکا یعنی دشمن اصلی خلقهای ما پیریا شد.

خلق ما با بیدارند رژیم جمهوری اسلامی در حالی که در حرف امیریا لیسم آمریکا را از در بیرون میکند، در عمل بدور از چشم توده های زحمتکش خلق ما، او را از پنجره در آغوش میکشد.

خلق ما با بیدارند که ندکه مبارزه با امیریا لیسم آریا مهی ارتجاع داخلی جدا نیست. ما کارگران و زحمتکشان مبارزه را تا قطع کامل سلطه و نفوذ امیریا لیسم ز کشور ما تا ادامه خواهیم داد.

مرک بر امیریا لیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران!  
 مرک بر ارتجاع داخلی!  
 ما بودیا دیسمت سرمایه‌داری وابسته در ایران

عده ای آژ کارگران هوا بیمنایی ملی ایران "هما" (بسنل ازهای مبارز ما ره ۳، نشریه عده ای آژ کارگران هوا بیمنایی ملی ایران)

از پشت بلندگوستر با به کارگران هشدار داده میشود که سرپشتی‌های خود با بشدوه هم یک جامع نشوند چرا که احتمال داشت توطنه‌ای در کار با شدو آنها از مظلومی دیگرواردا کارخانه بقیه در صفحه ۱۳

هستی "بوکا ئی توحا می سرما به داران وض کارگر هستی"، "بوکا ئی برگردد پو... بنا این جملات ربه کارگران تقویت میشود . بوکا ئی عیا پیش را بهین کرد و روی آن نشست و گفت تا خسرو شای را از اینجا ببرم نمیروم .

بقیه از صفحه ۴ نگاهی به ...  
 خسرو شای را نبرم ریش‌های پیرا قیچی خواهم کرد. بوکا ئی آن شب نتوانست خسرو شای را ببرد ولی به قولش هم عمل نکرد در پیش ربابانی گذاشت!

**جمعه ۵۸/۱۲/۳**

در این روز چند تن از کارگران مبارز که از قبل خود را برای نگهداری جنبین روزوشی آماده کرده بودند در کارخانه نمانده بودند. بجز اینها کارگران خوابگانی نیز بودند.

(کارگران خوابگاه‌ها و کارگران شهرستانی هستند که خسرو شای برای استفاده از نیروی کار آژان، آنها را استخدام کرده و با هزار وعده و وعید یکجا گرفته است. این کارگران شب و روز در کارخانه هستند.)

از نیمه شب دقایقی چند گذشته بود که آقا بوکا ئی با یک استیشن پراژیا سدا رطلوی در کارخانه آمد. کارگران با زنجیر در وابسته بودند. با اعلام این خبر از پشت بلندگوستر - گران خوابگاه نیز بجلوی درویدند. بوکا ئی بشدت عصبانی شده بود و مرتب تهدید می‌کرد. او به سادار ش دستور داد قفل را با کلوسه بزنند، با سادار گکن گدن اسلحه را کشید. کارگران در آن شب سردلبا سهای خود را در آورده و لخت جلوی کلوسه ایستا شدند. آن شب حماسه‌ای از مبارزه قهرمانانه کارگران به نمایش گذاشته شد. در این موقع دستگاه بلندگویی کار افتاد:

بوکا ئی تو با این کارخانه را بخون میکشی. "اگر خوشی اینجا بریزد مستولش تو قسمتی از قفطن ما: اتحاد سورا های کیلان:

**پیروزی کارکنان کارخانه پاک‌وش**

کارکنان کارخانه پاک‌وش پس از اینکه از راه محل مذاکره با کارفرما برای رسیدن به خواست‌ها ن نامید شدن با صدور قفطن ما ای اعلام کردند (اسفندماه ۵۸) که اگر به خواست‌های آنها توجهی نشود، از خروج کارگاه تولید شده از کارخانه جلوگیری بعمل خواهند آورد. سراجا هم کارگران موفق شدند، خواست ۴۰ ساعت ردر هفته را به کارفرما بقبولانند در مورد دیگر خواست‌ها ن ما نند نظررت سورا بر عقدا ردا دهای خرید مواد و فروش کالا. نظررت سورا برا ستخدام موا خراج کارکنان و... کارفرما تنها قولهایی داده است.

از تاریخ ۵۸/۱۲/۱۱ کلیه نمایندگان از دل سوخ کالا تلویزی محل مایه...  
مقاوتی مشکلات حل شده. از جانب سولان می‌گوید رویدگی بستمور از روز چهارشنبه مورخ ۵۸/۱۲/۱۵ در کلیه کارهای مستخدمه نبرکه مورد افرو را با ین مهر نامه نمودند.  
اعصاب سورا اعلام و چاپنامه ساسه کار و دم درک سولان مطابق است. ادانه با باند مصیبت‌های و نشه می‌آید. خواهد شد.  
نمایندگان سورا  
شورای اسلامی کارگران تهران  
شورای فرهنگ صانع سورا تهران  
شورای کارگران تهران  
شورای کارگران تهران  
شورای کارگران تهران  
شورای کارگران تهران  
شورای کارگران تهران  
شورای کارگران تهران

**حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل"**

# خلق‌ها و مسئله ملی



## نمایشی از همبستگی مردم سقز • بزرگداشت سالروز شهادت قاضی محمد

سرخ کرد تحمل کرده و دستاورد های آنرا تا نبود کنند. در این راه هیئت خاک که در عین حال سعی میکند بصورت ها و با وسایل مختلف طرح های سازگارانه و فریب کارانه را در میان خلق کرد تا من بزند و ما رزه آن را در این مسیر که چیزی جز شکست دوباره برای خلق کرد نیست، بیانا نداد. بی بی صدر، این معمار ساختمان مظلومی شده سرما به داری و ایستد، در این میان نقش خاصی بازی میکند.

بیا با جمعی بدو علل شکست جنبش دموی کرا تیک کردستان بر رهبری قاضی محمد و ترسیم دورنمای روشنی از آینده پایان یافت. بعد از پایان میتینگ هنگامی که مردم از شهر بیرون رفتند صف عظیمی از کارگران پر روزه ای رو برو شدند که برای پشتیبانی از راه بیما می و میتینگ آمده بودند. کارگران ساختمانی که تا زگی توسط جها دسازنده گسی با روزی ۵۷ تومان استفاده شده اند، منبع شده بودند از اینکه در راه بیما می شرکت کنند. ولی آنها بعد از پایان کار همراه با وسایل کارشان، بییل و کلنگ تا از قمبرستان شده بودند. رسیدن صف کارگران ثورتازای به راه بیما می داد. کارگران متشکل به راه بیما می تا شهر ادا داده و با شعارها می بر علیه سرما به داران و هیئت حاکمه ارتجاعی و پشتیبانی از مبارزات خلق کرد و پیشمرگه ها، وحدت مبارزاتی کارگران را با دیگر زحمتکشان به نمایش گذاشتند.

سوردهم فروردین ماه برابر با سالروز شهادت دکتر قاضی محمد و یاران وهم روزمان می باشد. در این روز بدعت هیئت سماندگی خلق کرد از تمام مردم کردستان دعوت به راه بیما می و میتینگ شده بود. بهمین مناسبت در شهرستان سقز نیز راه بیما می و میتینگ برگزار شد. راه بیما می از مسجد جامع شهر آغاز شد و تیرستان واقع در بیرون شهر ادا می یافت. در این راه بیما می مردم شعارها می در بریزند که تا قاضی محمد، تو طبقه های جدید هیئت حاکمه و بر علیه آمریکا جنایت کاری دادند:

بنی صدرا که هایت، اسلحه کردستان، در دست پیغمبران، در دست رزمندگان، علیه میر-بالیسم، علیه ارتجاع است.

جلاد تل زعتر، جلاد خلق ما شد، جنا بیست قارنا، در فلاحان تکرار شد.

سپس مردم در قریبستان اجتماع کرده و بیما می سازمانهای مختلف و از جمله سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر خوانده شد. در قسمتی از بیما می سازمان پیکار راجوز ه (سقز) ضمن بزرگداشت خاطر شهید قاضی محمد با اساره بدو واقع کنونی ایران چنین آمده است: "اکنون جنبش مقاومت خلق کرد در مرحله حاسمی از حرکت تاریخی خود قرار گرفته است. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی بویژه محافل جنگ افروزان و استبداد و سرپرستان امپریالیسم در آن می گویند جنگ دیگری را

## کردستان در آستانه جنگ • هلیکوپترهای ارتشی مرگ می آفرینند

ارباب و جانشینان خارج شد. و حزب دموکرات - کومله - پیکار - در این روستا مقصد شدند. عملیات هلی کوپترها نزدیک یک ساعت به طول انجامید. ضمن بمباران شدید، بیست - مرکها موفق شدند که ۸ نفر نظامی و یاسدار را زاکشته و ۷ تن را زخمی کنند. در جریان بمباران شدید چندین خانه روستائی و بیرون شورترا کتور آتش گرفت و تعدادی گا و گوسفند تلف شدند.

صبح روز هفتم فروردین ماه ارتش از ارومیه بطرف مرکور حرکت کرد. در حالت استون ارتش سه فرونده هلی کوپتر کرا روستای کنار جا ده را مورد تهاجم قرار دادند. و قسمتی ستون ارتش به روستای دوله بسان نزدیک می شد.

هلی کوپترها شروع به بمباران این روستا کردند. توضیح اینکه این روستا چند روز قبل در نتیجه بمباران پیشمرگه ها از دست

## ارتش حمله میکند و دهقانان کوچ

اند، یک ستون ارتش که در سه راهی کانه سی (بین اشنویه و ارومیه) مستقر شده است از ترس هجوم پیشمرگان روستا های اطراف را هدف کلوله های خمپاره و توپ فراری می دهد. و مردم را به رعب و وحشت می اندازد. در چند روستا، روستائیان از ترس اما بت کلوله های خمپاره و توپ حتی نمی توانند کوفشدان خود را برای جراب بیرون از خانه تیر بندگی با عت تلف شدن حیوانات میسود.

ارومیه - در نتیجه بمباران و حمله شده دهکده های کرد نشین مرکور و ترکور دستبیل و دشت توسط هلی کوپترهای کبرا ای، ارتش جمهوری اسلامی اغلب روستا های این منطقه خالی از سکنه شده اند. روستا های کانی سبی، کرکه گور، ملاعیسی، و سه کانی و اسلام لود و دوربسا زحال و ششیل و دیسزج (دزه) و آبا و جندر روستای دیگر از محال مرکور - سیلوانا از ترکور خالی از سکنه شده -

## اتومبیل پیشمرگان سازمان منهدم گردید

راه مورده هجوم هلی کوپتر ارتش مرا گرفت. دو پیشمرگه سرنشین جیب توانستند خود را نجات بدهند ولی وسیله نقلیه منهدم گردید.

در تاریخ ششم فروردین ماه یک جیب پیشمرگان سازمان پیکار که از روستای دیسزج (دزه) از مرکور روستای دوله بسان بود، در

## بزرگداشت یاد شهدای قهرمان خلق کرد

• آلمان (مربوان) روز ۵۹/۱/۹

بمناسبت سالگرد شهادت فرزند دلاور خلق کرد و چهلین روز شهادت پیشمرگه قهرمان کاک وریا مدرسی از رفقای "تسکيلات پیشمرگان

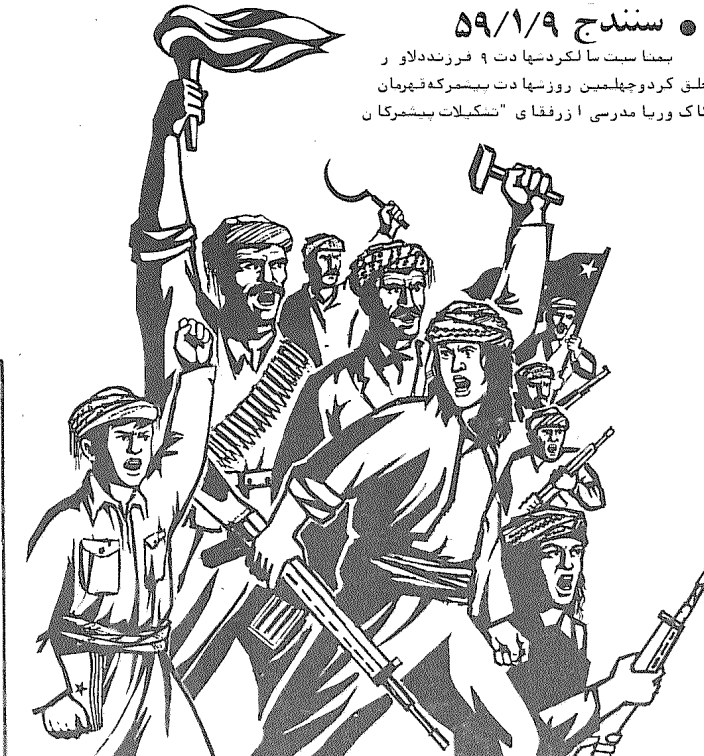
روز ۵۹/۱/۲ مردم مربوان و دهات اطراف آلمان برای بزرگداشت یاد شهدای قهرمان، رفقای کاک فواد، کاک حسین و کاک امین مصطفی سلطان سه برادرزاده، راهی آلمان

زادگان این شهدا شدند. علیه رغم مسیروخت و پیا ده روی طولانی جمعیت کثیری در این مراسم شرکت داشتند.

در میان جمعیت یکی از زندانیان که با گروهان کومله معاوضه شده بود نیز دیده میشد که استقبال گرم راه بیما بایان رو برو شد. در مسیر راه بیما می بطرف آلمان جمعیت سرودی جوانه و هنگام نزدیک شدن به آلمان یکصد تنی دادند "با یکدیگر بیگانه بزان، جیکای رولدی شهید لهدلی زحم - کیانه (ما در بیما می، بزرگداشت در قلب زحمتکشان است) (بیگانه در شهادت مبارزات) اها می ده آلمان با سورسوی بد استقبال جمعیت آمدند. بعد از صرف نهار جمعیت همراه اها می در بزم شهادت بودند.

بر سر میزبانان سرود جنس سوروزوسن با مبدر شهادت خوانده شد. آنکا هیا می پای سازمانهای سیاسی تراثت گردید. بعلت کمی وقت بیما می دهات اطراف مربوان تراثت نمود و بیما می خواندن سرود ای شهیدان پایان یافت. رنده و جها و پیدا دیا شهادی بخون حقه خلق

زحمتکشان" مراسم در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۵۹/۱/۹ در مسجد جامع سنندج برگزار شد. این ۹ رفیق رزمنده رفقا دکتر فتح الله لطف الله زاده، دکتر سعید زری، جمیل سعیدی، فاضل قطبی، جمیل ذکریائی، فریده ذکریائی، کلر زینبائی، رفیق کما تگر و اسماعیل علی بیبا در فروردین ماه سال گذشته منظورشان دادن وحدت مبارزاتی خلقهای کرد و ترکمن و کمک بخلق ترکمن که



## گام ضروری و مثبت رفقای بلوچ را تبریک میگوییم

رفقای "سرد بلوچ" و "احد زحمتکشان بلوچستان" در آغاز سال نو، گام ضروری و بیگانه را در حکم هر جنبش مردمی و جنبش کارگری و کمونیستی برداشتند. "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" ضمن ابراز تمیلا به تریب نادین به رفقا و خلق بلوچ امیدوار است با هر چه سزده برسدن مقسوی رزمیده کمونیستی در سرترا کور، شاهد به اهتزاز در آید بزم ظفر سمون حزب طرازیوی

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

### میتینگ کارگران پیکار سندیکی فصلی پروژه ای سندج

در تاریخ ۵۹/۱/۱۰ میتینگ کارگران فصلی پروژه ای سندج در محوطه استان داری با شرکت صدها نفر از کارگران پیکار برگزار گردید. در این نشست نماینده کارگران در مورد تماس با مقامات مسئول استانی، ادارات، کاروانیکه همسند جواب می دهند که مسئول پیکاری کارگران، پیشمرگان جنین مقاومت هستند، سخنانی ایراد کرده و به افتای ما هیت دولت طرفدار سرمایه داران برداخت. سپس چند تن از کارگران از اشکات کاروانیکاری پیکار زندگی شان و گران روز افزون و تورم سختی انی کردند. در فاصله سخنرانی ها شعارهاشی به پشتیبانی از پیشمرگان خلق کرده اند. می شد. آنکه بهیچا میتینگانی سازمانهای سیاسی و ستاد مشترک بنگه ها فرا شت گردید. و در پایان قطعنامه کارگران بوسیله، یکی از نمایندگان خوانده شد و طی آن خواستههای

خود را به شرح زیر اعلام نمودند.

- ۱- با ردیکریسیسی کامل خود را از هیئت سندیکی خلقی جدا اعلام داشته و هرگونه اقدام برای رسیدن به خودمختاری کردستان و رهاشی زحمتکنان ایسران را ناسی می کنیم.
- ۲- توسطه جنگ افروزی های هیئت جاکمه را که با ردیکردر کردستان آگاه شده سیدی محکوم می کنیم.
- ۳- با توجه به اختیارات و امکانات استان داری به طریق خودمندی با شکست داری ما ایجاد کرد.
- ۴- در صورت عدم امکان ایجاد کاروانیکه بیمه پیکاری برای ما منظور گردد.

در پایان قطعنامه آمده بود:

ما تا رسیدن به خواستههای بحق خود مبارزه را در سنگلهای دیگر ادامه خواهیم داد.

روز سه شنبه ۵۹/۱/۱۲ بدنیال سخنرانی توسطه آریزینی صدر مردم مبارز سندج بجمعی شنیدن این سخنرانی فوراً عکس العمل نشان داده و در یک راهپیمایی و میتینگ اعتراضی- آمیز شرکت نمودند. در ساعت ۴ بعد از ظهر گروه گروه از مردم در چهار راه شهید جمع شده و در حالیکه پلاکاردها را با خود حمل می نمودند در فضای ما هیت رژیم شعار میدادند بطرف میدان آزادی حرکت نمودند.

مضمون سخنان: زینلگا ردهای کیسه مردم با خود حمل می کردند تعبیرت بوداز: سخنان بنی صدر زمینه سرکوب خلق کرده است (پیکار)، هفتل عام دهقانان قهلاتان ما هیت واقعی چنان پیکاران رژیم خد خلقی را آنکارتر کرد، برقرار با دجمووری دموکراتیک خلقی (پیکار).

مضمون سخنان: زینلگا ردهای راهپیمایی عبارت بود از: بنی صدر بزانه، چه کمان چه کسبی خومان، نایدین به دهس بیگانه (بنی صدر بدان، اسلحه، اسلحه خودمان است، آنرا بدست بیگانه نخواهیم داد)، تهدیدهای نظامی در کردستان دیگر اثر ندارد، بنی صدر مرتجع دشمن زحمتکنان، گوشتی خیر ندارد. در میدان آزادی هزاران نفر از مردم گروههای مدیه و بهیچا پوسخترانی سازمانهای سیاسی گوش فرادادند. ابتدا نماینده دفتر ما موستاشیخ عزالدین حسین و کومه سخنرانی نمودند و سپس پیمان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگران فراتر شد. در گروه ای ازبیا آمده است: این رژیم بدلیل ما هیت

### تظاهرات مردم مبارز سندج در اعتراض به سخنان بنی صدر

مداخلی خودمندی خواهد نمودی تواننده خواست خلقی ایران پاسخ گوید و چاره ای جز سرکوبی ندارد زیرا که این رژیم حکومت زحمتکنان، کارگران و دهقانان نیست بلکه حکومت سرمایه داران است و ناچار است که برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم سرکوبی کارگران، زحمتکنان، دهقانان و خلقهای تحت ستم بردارد. از آقای بنی صدر که نماینده این سیستم است جز این انتظاری نبایدهد است. در پایان پیام آمده است: در این لحظه توسطه ها یکی پس از دیگری در حال بیا بدیدن است و طبقه ماست که با تشکل هر چه بیشتر اتحاد مبارزاتی خود را حفظ نموده و با ردیکرا راده انهن خود را به رژیم نشان داده و دوس بدوش سا برخلقهای ایران، کارگران، زحمتکنان و دهقانان به مبارزه خودتایی جان ادا می دهیم.

سپس پیام "تشکلات پیشمرگان زحمتکنان و شتری از یک رفیق دختر فراتر شد و در پایان نماینده سندیکی کارگران پروژه ای فصلی سندج طی سخنانی ما هیت رژیم را انا کرد.

تظاهرات مردم مبارز سندج در اعتراض به سخنان بنی صدر

روز سه شنبه ۵۹/۱/۱۲ بدنیال سخنرانی توسطه آریزینی صدر مردم مبارز سندج بجمعی شنیدن این سخنرانی فوراً عکس العمل نشان داده و در یک راهپیمایی و میتینگ اعتراضی- آمیز شرکت نمودند. در ساعت ۴ بعد از ظهر گروه گروه از مردم در چهار راه شهید جمع شده و در حالیکه پلاکاردها را با خود حمل می نمودند در فضای ما هیت رژیم شعار میدادند بطرف میدان آزادی حرکت نمودند.

مضمون سخنان: زینلگا ردهای کیسه مردم با خود حمل می کردند تعبیرت بوداز: سخنان بنی صدر زمینه سرکوب خلق کرده است (پیکار)، هفتل عام دهقانان قهلاتان ما هیت واقعی چنان پیکاران رژیم خد خلقی را آنکارتر کرد، برقرار با دجمووری دموکراتیک خلقی (پیکار).

مضمون سخنان: زینلگا ردهای راهپیمایی عبارت بود از: بنی صدر بزانه، چه کمان چه کسبی خومان، نایدین به دهس بیگانه (بنی صدر بدان، اسلحه، اسلحه خودمان است، آنرا بدست بیگانه نخواهیم داد)، تهدیدهای نظامی در کردستان دیگر اثر ندارد، بنی صدر مرتجع دشمن زحمتکنان، گوشتی خیر ندارد. در میدان آزادی هزاران نفر از مردم گروههای مدیه و بهیچا پوسخترانی سازمانهای سیاسی گوش فرادادند. ابتدا نماینده دفتر ما موستاشیخ عزالدین حسین و کومه سخنرانی نمودند و سپس پیمان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگران فراتر شد. در گروه ای ازبیا آمده است: این رژیم بدلیل ما هیت



### در انتخابات مجلس شورای ملی، باز هم ارتجاع ارمنی افشاء میشود

بطور کلی ارا منهنجه در انتخابات مجلس خبرگان و چه در انتخابات اخیر مجلس شورای ملی زیر فشار روتبعیض از نوع دیگری بودند. به این صورت که مثلاً در انتخابات مجلس شورای ملی در شهران یک فرد ارمنی می - با بیست یا به ۳۰ کاندید غیر ارمنی رای دهد و با بیست کاندید ارمنی که وضع چنین قانون همسانند طرح در مرحله ای با عت تقویت میسه نیروهای ارتجاعی میوند، یعنی جدا کردن ارا منزه از کل خلق ایران بوده و گذشته از توهین به توده ارامنه نشانگر تبعیض و حق - کشی ای است که توسط هیئت حاکمه به آنها میروند. از آنجا شیکه عرصه مبارزه انتخاباتی برای مجلس خود انکسای از مبارزه طبقاتی جامعه می باشد، در جامعه ارمنی میهن ما هم که نمی توان از این امر مستثنی با شد مبارزه انتخاباتی تجلی این مبارزه طبقاتی و جلوه ای از کساکش نیروهای سیاسی موجود در جامعه می باشد، همانگونه که در انتخابات مجلس خبرگان مشاهده شد در این انتخابات نیز این نتیجه بدست آمده که در مناطقی که بیشتر از کارگران و زحمتکنان تشکیل شده و نیروهای انقلابی فعالیت بیشتر کرده اند (مانند زرکن و مجیدیه) نماینده مترقی و مردمی و در مناطقی که از بورژواها و افراد مرفه تشکیل شده (مثل قوام السلطنه) و با فعالیت کمتری از طرف نیروهای انقلابی انجام شده (مثل تبریز و شمال و اصفهان) نمایندگان خلقی به حزب بورژوازی و سازگار از ای پیشتری می آورد (۱).

گرچه نتایج انتخابات در مجموع نشان میدهد که سلطه ارتجاع بر روش ارامنه هنوز سنگینی می کند و نمایندگان که انتخاب می شوند نمایندگان واقعی زحمتکنان ارمنی نیستند، ولی نفوذ و محبوبیت روز افزون نمایندگان خلقی (مثل کاندید مورد حمایت کانون فرهنگی ارمنی) در میان توده ارمنی نشانگر دورنمای امیدبخشی از مبارزات ارا منهنده در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی می باشد.

در این میان دست گروههای خیانت - سید و سازگار ارتجاعی مثل حزب داشاک رومی شود. کاندید داشاکها یعنی هایسر حوالیان سردبیر "آلیکا" رگان داشاکها (رورنمای که در رژیم تابا اجازه، ساواک منسرمی شد) از مدافعین رژیم شاه و حامی

(۱) - رجوع کنید به نتایج انتخابات مندرج در روزنامه آلیک.

سرما یه داران و سازنگاران است حزب دانشک در گذشته با رها و فاداری خود را به امپریالیسم آمریکا نشان داده و از منافع سرمایه داران علیه زحمتکنان ارمنی دفاع نموده است. هر با خیالناشان کسی است که در مجلس خبرگان و در جریان تصویب قانون ارتجاعی آن هیچگاه از منافع واقعی خلق دفاع ننمودند. در اینجا باید به آن دسته از افرادی که از روی نا آگاهی به کاندید حزب داشاک رای داده اند هشدار داد که شعارهای عوام فریبانه و بیضه فرهاد امپریالیستی این حزب و سازگاران جوانان حزب (گروه انتقالی رستم) نمیتوانند ما هیت بورژواشی و سازنگاران را بیرون باندند، و گذشته ننگین و سابقه همکاری آنرا با امپریالیسم آمریکا و عوامل مزدورشان نشان میدهد. سیاست های ناسیونالیستی و شو - بیستی حزب داشاک، با جدا کردن مبارزات خلق ارمنی از مبارزات دیگر خلقهای ایران نه منافع زحمتکنان ارمنی بلکه منافع در جهت سیاست های امپریالیستی است.

حزب توده هم نتواند که کاندید پیش در مجلس خبرگان برای اصفهان ساواکی از آب درآید (به پیکار شما ره ۱۵ مراجعه کنید) کاندید ارمنی اش یعنی "گا لوس" خانیان هم فرد مورد اطمنان دربار شاهنشاهی و مسئول نظارت بر کارهای سلطنتی بوده و بیخاطر خوش خدمتی اش به شاه جلالت نشان درجه ۴ همایون دریافت کرده است!

در اینجا ستوانی که در رابطه با کانون فرهنگی ارمنی که یک نهاد دموکراتیک و ضد امپریالیستی است مطرح میشود اینکجه چرا کانون بجای اینکه عده فعالیت خود را در جهت روشن کردن نقش رلمان هسای بورژواشی در مبارزات دموکراتیک، هدف نیروهای مترقی از شرکت در این انتخابات و دادن آموزش های سیاسی به توده ها و افشای ارتجاع و امپریالیسم بگذارد، بیشتر فعالیت خود را در جهت مبارزات انتخاب شدن کاندید مورد نظر قرار داده بود، و بر توهین ها مبنی بر اعتماد به پایرمان بورژواشی می افزود. دیگر اینکه کانون در افشاگری در مورد "گا لوس" خانیان "به افشای اینکه روزنامه "پیونیک" ارگان حزب توده در جامعه ارمنی است هیچ اشاره ای نمی کند، جا دارد که کانون فرهنگی ارمنی نماینده مواضع ضد امپریالیستی و خلقی ای که دارد، بدون تزلزل ارتجاع را به رنکلی و با تمام عمق و ابتدایش افشاء نماید.

برقرار با دهمیستی تمام خلقهای زحمتکش ایران

### توضیح

در پیکار ۴۷ در خبر مربوط به ترور ناجوان نمرده دکتر رحمت الله حسین پسر، با توجه به مشخحات ظاهری پای ساری که دست به این ترور زده بود و نشانیهای وی با رئیس ساری ساریان ایرانشهر سمت وی رئیس ساریا ذکر شده بود. بدنیال تحقیقات انجام شده در ایرانشهر، اینکه غارب دقیقاً رئیس ساریا بوده یا ندرت در تدوین شده است، لذا هویت دقیق پای ساری ترور پس از تکمیل تحقیقات در اختیار افکار عمومی خواهیم گذاشت.

فرهاد کارگران در شرایطی که سازرابا - و کبرنده، توده های زحمتکنان ما به رهبری و سازماندهی نیازمند است یکی از مبرم ترین مسائل جنبش کارگری ایران می باشد.

ضرورت سازماندهی زحمتکنان بلوچستان که مستمناً عطف ملی و طبقه ای را بدوش میکشد نیز فزودگی صفوف این نیروهای بزاکننده را طلب می کند. ما تشکل های "اتحاد زحمتکنان بلوچستان" و "تیردیلوج" نیز که تاکنون بطور جداگانه در رابطه با مبارزات خلق بلوچ فعالیت داشته ایم، بین ازمایهها بحث و مذاکره بیرونی موافق سیاسی - ایدئولوژیک خود به وحدت نظر رسیده و در هم ادغام

سديم، او از این پس تحت نام "اتحاد زحمتکنان بلوچستان" فعالیت انقلابی خود را در میان زحمتکنان بلوچستان دنبال خواهیم کرد و نبردهای بلوچ سر به سنگل ما خواهد بود.

ما در آیه - نزدیک سابق مبارزاتسی این دوستکل و ارتباط آنها با "سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان" و علل از هم - با سیدی این سازمان را توضیح خواهیم داد.

هر چه سرده تریا دموقف نیروهای انقلابی ایران

"اتحاد زحمتکنان بلوچستان"، سرد بلوچ

۵۹/۱/۱

## برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک





**بین الملل اول و مبارزه  
علیه جریانات ضد مارکسیستی**

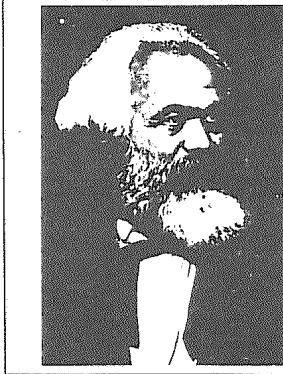
سالهای ۱۸۷۵-۱۸۶۵ سالهای اوج نهضت کارگری و تندیمبارزه طبقاتی در اروپا بود. در طی این مبارزات بود که کارل مارکس، این اندیشمند بیروولری، درجهت تشکیل بیروتا ریا مصالحه حرکت نمود. او در زمانی که سرخنا نه منقول نوشتن "سرما به" بود در فقر و تنگدستی زیادی قرار داشت، اما فعالیت و عمل انقلابی غافل نبود، تا اینکه با لاجرم در پی کوشش های فراوان، او توانست در سال ۱۸۶۴ اولین انترناسیونال کارگری را برپا نماید. انترناسیونال یا سازمان جهانی کارگران، بنحسب برکتی همسنگی و پشتیبانی بین المللی کارگران جهان بود. در واقع هنگامیکه طبقه کارگر اروپا مجدداً به اندازه کافی نیرو گرفت تا با مسازره انقلابی خود همچون زده ای را بردارد تا کیست طبقات حاکمه آغا زکند، "انترناسیونال کارگران" دیده آمد. هدف این شکل انقلابی این بود که کلیه نیروهای مبارز طبقه کارگر اروپا و آمریکا را در رتین بزرگ و واحدی گرد آورده "انترناسیونال کارگری" یا بین الملل اول زیر پرچم مارکسیسم و تحت هدایت مارکس و انگلس بر علیه جریانات اپورتونیستی و فرصت طلب نهضت کارگری و عمال بورژوازی مبارزه بیکبری راه پیش برد.

■ مبارزه علیه بیروتونیسم: بیروتونیسم که یک جریان فکری فرصت طلب و فانتزیستیک بود، مبارزه سیاسی را نافی کرده و سازش طبقاتی را توصیه می نمود. این جریان فکری از موضع تولیدکنندگان کوچک از مالکیت خصوصی حمایت می کرد. مارکس با نقضی مالکیت خصوصی، بطور کلی، علیه عقاید استعماری را برودن مبارزه سختی را انجام داد. این جریان فکری در زمان کمون پاریس کاملاً از بین رفت.

■ مبارزه علیه لائالیسم: "لائال" که ریاست "اتحادیه عمومی کارگران آلمانی" را غصب کرده بود، یک جریان فکری فرصت طلب و ضد مارکسیستی را نمایندگی میکرد، او معتقد بود که دولت "بازار برای آموزش جامعه بیدار و وسیله و هدایت آ بسوی آزادی است. او صحبت از "دولت آزاد" میکرد و رای گیری همگانی در نظام سرمایه داری را کلید رها می طبقه کارگر حساب می آورد. لائال با انقلاب قهرآمیز دیکتاتور بیروتا ریا سرخنا نه مخالفت می کرد. او بعداً به خیانت کامل در غلطی و به حمایت آتسکار از "بیمارگان" طبقه کارگران و انگلس مبارزه بیکبری را علیه او و وظیفه می انحرافی آن بجاوردنند. بحول بردن، بحول که کارهای و روشگری آنان مسخره است. اتحادیه عمومی کردید و سختی از طرفداران لائال به عقاید مارکس گرویدند و اتحادیه کارگری سوسیال - دموکرات آلمان "بین آلمانی" بین الملل اول را بوجود آوردند.

مارکس در نقد نظریات رفرمیستی و فرصت طلبانه لائال تندباز رین "تقدیر نامه کتا" را نوشت. مارکس در این اثر که سلاحه فاطمی در مبارزه علیه رفرمیسم است، سعی فرست طلبانه لائال را نقد کرده و **نظریه** دیکتاتور بیروتا ریا را سطر داد و مطرح نمود که این دیکتاتور بیروتا ریا، دولت دوران تبدیل انقلابی جامعه سرمایه داری به جامعه کمونیستی است. در این اثر مارکس در رد نظریه انحصاری لائال درباره بورژوازی که بدون بی مالکیت خصوصی و مبادیات سولندی حاکمیت را "حماوی" می کرد، نظریه سیستم بورژوازی در مرحله استیسی و فوئالی جامعه "دستی را تدوین نمود و جسی سنجید که سقا را جامعه سوسیالیستی" "را خرد گین به آنداز دیوانس" به هر کسی به اندازه کارکن "وسا را جامعه کمونیستی" را

**کارل مارکس  
پایه گذار  
سوسیالیسم علمی  
(۲)**



هر کسی به اندازه توانایی، به هر کسی به اندازه احساس می یابد.

■ مبارزه علیه اپورتونیسم: جریان فکری مغلی به "یا کونتن" بدترین دشمن مارکسیسم در پایان دوران انترناسیونال اول بود. با کوشش یک آثار نیست (هرج و مرج طلب) بود، او با هر نوع دولت و بخصوص دیکتاتوری طبقه کارگر و اروپا هر شکل از جمله حزب طبقه کارگر مخالف بود و می گفت با سوسیالیسم تئوریک ها را ناکافی و و بطنهانی " همه چیز را خراب و نابود کرد "

**کارل مارکس در گذشت، ولی...**

مارکس علیه این دشمن خطرناک طبقه کارگر و فوئالی را بجا می آورد و سوسیالیسم را ادامه می دهد. مارکس تا نبوده دولت طبقه کارگر بر خلاف دولت بورژوازی استمارا گرنیست، او می گفت کارگران باید دستگاه دولتی سرمایه داری را نابود کنند، ولی خود با بد دولت طبقه کارتری خوب را بوجود آورند و مستحکم نگاه دارند. مارکس بدرستی بر این عقیده بود که برای رسیدن به جامعه کمونیستی باید دیکتاتور بیروتا ریا وجود داشته باشد. بغلاوه مارکس در نظریات انحرافی و ضد کارگری یا کوشش معتقد بود که کارگران در مساله زده علیه سرمایه داری را با بد حزب و سنگسار مخصوص خود را بوجود آورند، در غیر این صورت پیروزی ممکن نخواهد بود.

بدین ترتیب، انترناسیونال اول تحت هدایت مارکس و انگلس دستاوردهای بسامری برای طبقه کارگر به ارمغان آورد. بین الملل اول که منکب سرمایه داری بود و هر دوران استعماری سوسیالیسم عرضه می کرد، نظرها را بافتگی و اراده بیروتا ریا می چنانی علیه نظم سرمایه داری جهانی بود.

در سال ۱۸۷۱ فرا مبارزات با ریس به وقوع پیوست و اولین حکومت دیکتاتور بیروتا ریا بوجود آمد. مارکس که از قبیل طبقه کارگر را بر علیه هر گونه اقدام زودرس هدایت کرده بود، وقتی قیام بیروتا ریا را از خود گذشتگی بسیار به حمایت از کمون پاریس بلند شد. در طول زندگی بیروتا ریا کمون پاریس، مارکس در ارباط فعال با هواداران بین الملل اول در فرانسه بود و بسکله همه جا به سوی آن کمک می رساند.

پس از یکس کمون فریمان، مارکس به جمع بندی آن پرداخته و در ۳۰ مه ۱۸۷۱ آنرا برجسته خود "حک داخلی در فرانسه" را انتشار می دهد. او در جمع بندی ارزنده خود از تجربه کمون بیروتا ریا با ظریفی می یابد که طبقه کارگر پس از یکس مدت با بد دستگاه دولتی بورژوازی را بر این مبارزه با مانگا به دیکتاتوری بیروتا ریا علیه مآ و صفت بورژوازی می نماید. عمل نیز انقلابی سازمان یافته بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

پس از یکس کمون، قدرت بورژوازی به تعریف وسیع و اصلاحی برداشت. مارکس به ابداع انقلابی حریان داخلی صلط در آنال می یعنی ابداع سیستم عمل و تئوری کارگری اروپا پس از دیکتاتور آن و در آن بسیار است.

**طبقه کارگر در مبارزه بر علیه  
سرمایه داری  
سلاحی بجز سازماندهی ندارد!**

قسمت آخر

خطوطی که در پیام آیت الله خمینی به منظور تحقق اهداف فوق، ترسیم میشود، خطوطی که با پدیدار سوسیالیست ها که در پیش گرفته شده بود، در محورهای اساسی خود جنبش است:

۱- اجرای برخی فرمها و اصلاحات توافقی و وعده‌های شیرین فراوان، اجرای برخی اصلاحات در زمینه‌های رفاهی برای دهقانان دادن و کم بهره‌ها بدون بهره به برخی دهقانان، دادن وعده ممکن به زحمتکاران، دادن برخی آزادیهای محدود سیاسی (تا جاییکه به اصل حاکمیت لطمه وارد نشود) و... از جمله اند. رژیم می خواهد با این اصلاحات و با وعده‌ها ذهن بسیاری از توده‌های مردم‌زاد خود مستول کند که گویا بنی مدرن‌انقلابی را - که در بهترین حالت و گویا در کار انجام میدهد -

۲- هیئت حاکمه طوری وانمود می کند که می خواهد مشکلات مردم را حل کند، وابستگی به امپریالیسم را قطع کند، کشاورزی و صنعت را بفتح مردم برساند، بدهد... بولی برخی از عناصر مونیروهای این اصلاحات لطمه می‌زند. بعد میگوید این عناصر هستند که نمی گذارند. بعد میگوید این عناصر "خلافکار" هم در کارها هستند، هم در اداره‌ها و هم در ارتش، شهربانی و... وجود دارند. پس با پدیدار این مجازات رسانید. با بدجلوایان و کثرت کارگری، مبارزات دهقانی، مبارزات زحمتکاران شهری و... گرفته شود و خود مردم با پدیدار آنها جواب دهد. ارتش و نیروهای مسلح دولتی را با پدیدار وجود عناصر "خلافکار" و "خوابکار" پاک نموده. یعنی در واقع می خواهد با این تصفیه سراسری انقلابی، و مبارزات و اصلاحات و مجازات کند. انقلابیون ادارات و کارخانجات و... را مجازات کند و غیره. در راه اجرای این سیاست رژیم روش تفرقه افکنی و بهره گیری از پاپ‌ها را توده‌های خود، یعنی توده‌های ناآگاه مردم را در پیش گرفته است. آیت الله خمینی در این مورد در پیام خود میگوید:

"مردم شهرمیضی اطلاع از اعتصاب هر کارخانه خود را به آجا برسانند و ببینند آنان چه می گویند. باید خدا انقلاب را سنا سانی و به مردم معرفی نماید. مردم شریف ایران دیگر نمی توانند حقوق بی جهت به عده‌ای از خدای خیر دهند."

(پیام آیت الله خمینی)

بنی صدر همین حرف را تکرار میکند و میگوید: "اگر زینت را دیوتولویزیون شنیدی که من گفتم در فلان شهر آتوب شده، اگر تان می کشیدی زمین بگذار و برو".

۳- و نمودن کدهای گروه‌های سیاسی در گوشه و کنار مملکت اصلاح و خرابکاری میکنند و چون سلاح‌هایشان را تحویل نداده‌اند، پس با بد برای حفظ نظم و آرامش (در صورتیکه آنها حاکمیت فدا انقلابی دولت را ندیدند) آنها را سرکوب نمود. چون فدا انقلابی هستند و وابسته به شرق و غرب اند. بنا بر این یک ارتش قوی و منظم لازم است که از پس این کار برآید. به این خاطر ارتش را تقویت کند. به آن سروسامان دهد، وقتی که عناصر انقلابی درون آن را هم خارج و سرکوب کردند، مهمات و سلاح و وسائل هم میراث خریداری کرد، و آن را دوباره بر مردم مسلط کند و بجان مردم مبارز و خلقهای ستمدیده میهمان بنیدارد. آیت الله خمینی هم که به آن لقب "ارتش نجیب ایران" داده است، هم دیگر در رنگی جا زینست.

۴- مسئله کمونیستها و نیروهای انقلابی دیگر را هم بین با برطوروشن پیش کشیده و تهاجم و حمله به آنها را هم آغاز کند. برای این کار زمینه جینی میکند: آیت الله خمینی

# پیام نوروزی و سیاست رژیم در سایل جدید

## چه کسانی از این پیام اظهار رضایت و شادی کردند؟ (۲)

"خودکامه و غیرمسئول" را در منطقه ما درمی‌کنند و از مردم می خواهد که به پیام ما مام خمینی و رئیس جمهور "در مورد سال امنیت لیبرال گفتم و همکاری های لازم را در مورد شانسائی و تحویل افرادی گروهی که کینه‌جویی از انحاء حرکتها یا مسلحانداشته یا در مدغمی کردن یا همکاری با این افراد برمی آیند بنما پندتا در دادگاه عادل انقلاب اسلامی محاکمه شوند". (اطلاعات پنجشنبه ۷ فروردین) و با لایحه هیئت حاکمه با تکیه بر همین "پیام" امکان می یابد که کاندیداهای وابسته به نیروهای سیاسی منطقه گردستان و حتی حزب دموکرات که در انتخابات مجلس شورای ملی انتخاب شده اند، حذف نماید و بنی صدر در رابطه با انتخابات گردستان می گوید:

"گروههایی هستند که می گویند مردم ما با هستند. اسکالی ندا را سلحه‌ها بیسان را بر زمین بگذارند تا ما بیا بییم آنجا انتخابات کنیم".

و بدین ترتیب آشکارا بر لغو انتخابات در گردستان و حذف کاندیداهای انتخاب شده از طرف مردم، صحنه می گذارد. اما سال، سال ایجاد "امنیت" است. و بنی صدر در راه ایجاد امنیت مطلوب خویش بخی ابروده‌ها را در برابرین دیگر قرار می دهد. و فریاد برمی آید: "آورد که اگر زینت را دیوتولویزیون شنیدی که من گفتم در فلان شهر آتوب شده، اگر تان می کشیدی زمین بگذار و برو". اما خلقهای شهرمان ما می گویند آقای بنی صدر به کجا برویم؟ به گردستان برویم برای کشتار خلق کرد؟ یا به کرمان صحرا برای کشتن دهقانان مصیبت کشیده‌ای که بیملت غارت رژیم و باستان ای که محافظ آن هستید، به روزیما بنهشته‌اند؟ یا به خوزستان برویم تا برادران عربمان را بکشیم؟ یا به بلوچستان برویم تا آفتاب سوخته‌های ستمدیده‌ای را که برای تان شب محتا حد بکشیم؟ یا به کارخانه، جایی که کارگران میهن ما در زیرستم سرما به داری له شده‌اند؟ به کجا برویم؟ چه کسی آتوب می کند؟ اصلاح گران واقعی و جنگ افروزان واقعی چه کسی است؟ آقای بنی صدر این شما هستید که فرمان جنگ برادرکنی می دهید. این شما هستید که با خطر ایجاد امنیت برای سرمایه داران و زمینداران و امپریالیستها، می خواهید جنگ داخلی برآهیندازید. اگر چنین فرمانی دادید، ما خود می دانیم بکجا برویم. اگر امروز ندا نیم فردا خواهد آمد و است و اگر فردا ندا نیم فردا خواهد آمد است که بکجا برویم با چه کسی و بر علیه چه کسی حرکت کنیم. سیاست سرکوب و فرم، منطق چاق و نسان شیرینی شما نمی تواند در دره‌های بی دریا مان را دو کند، بیپوده‌های تانکتی. سال جدید برای شما "برکت" نخواهد داشت. سال جدید سال برکت برای توهدهاست. چرا که انقلاب همچنان علیرغم تمام بیلات شما ادامه خواهد داشت. نیض انقلاب در کوه و خیا بان در کارخانه و کشتزار و در هر جایی که زندگی جریان دارد، می تپد و خواب شما را برآخته میسازد. بیپوده تان می کشید، بیپوده هیاهومی کشید، آقای بنی صدر! ■

# دیپلمه های پیکار کرمانشاه برای ایجاد کانون و کار مبارزه میکنند

هم زمان با دوسال شدن جمهوری اسلامی، پیکاری بسیاری از جوانان این مرزوبوم نیز دوساله شد. دیپلمه‌های پیکار کرمانشاه بعد از مدتها دوندگی بی حاصل و تحمن و راه - پیمایشی بخاطر کار را این ابتدا می تربیمن حقوق انسان، همچنان مبارزه میکنند. ولی از آنجا که هم ریزه‌های اگر بخواد هدیه نتایج به مطلوب برسد، تا گزیر است از وسایل و ابزار آموزشی برای شیل بیهدف خود بهره‌جوید، لذا دیپلمه‌های پیکار کرمانشاه نیز در صند که یک شکل منفی بعنوان کانون پیکاران بر سه پا دارند و به همین دلیل یکی دیگر از خواست - های این کانون پیکاران همان ایجاد کانون پیکاران است که در حال حاضر مقامات مسئول استان و از جمله استانداردا ریشد با بوجه خود آمدن چنین کانونی مخالفت می کنند.

روز چهارشنبه ۵۹/۱/۱۶ دیپلمه‌های پیکار شهر به همین خاطر در استان را می متحن شدند. در گفتگویی که بین نمایندگان پیکاران و استاندار صورت گرفت، استاندار حاضر نشد محلی بعنوان دفتر کانون در اختیار پیکاران بگذارد. و در زمینه کار نیز با یک وعده فرخمن گریبان خود را خلاص کرد. دیپلمه‌های پیکار در مقابل برخورد استاندار، تصمیم گرفتند که تحمن خود را موقتاً شگفته دست بیک راه - پیمایشی اعتراضی در سطح شهر بزنند. این راه پیمایشی با شعارهای مختلف از جمله "عالم هرگزانی، عالم هرپیکاری، نظام وابستگی با بودیاید کرد"، "کار کارکنان پیکار و شعار پیکار"، "کانون پیکاران ایجاد باید کرده" و... صورت گرفت. و قرار بر این شد که روز ۵۹/۱/۱۶ مجدداً در استان را می متحن بهم رسانند. ■

# مبارزه متحدانه پرسنل انقلابی به پیروزی رسید

روز چهارشنبه (۵۹/۱۲/۲۲) عده‌ای از درجه داران نیروی هوایی در پادگان اسلام خمینی (جمشیدیه) برای آزادی نمایندگان خود و سایر یروخاسته‌ها نشان که عبارت از تشکیل شورا‌های واقعی در پادگان، تصفیه فرماندهان سرسپرده و مزدور و پاپ‌ها را از یک ارتش مردمی بود، کرده‌ام آمدند. در این میان پشتیبانی سایر درجه داران مبارز نیروی هوایی در نقاط کشور نقش بسزایی داشت. تعداد زیادی از درجه داران نیروی هوایی از اصفهان به تهران آمده بودند. تعداد متحصنین بالغ بر ۵۰۰ نفر بود. هما فرمان و سرپازان نیروی هوایی و همچنین درجه داران و سرپازان پادگان "امام خمینی" نیز از آنها پشتیبانی کردند.

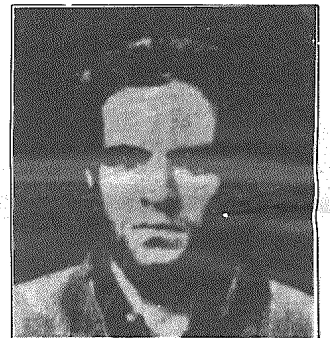
تحت فشار مبارزه قاطع درجه داران مبارز، دادگاه مجبور می‌شود که نمایندگان آنها را بصورت علنی محاکمه کند. مقامات دادگستری ابتدای می خواستند که فقط ۴۰ نفر از درجه داران را حضور داشته باشند. ولی حدود ۷۰۰ نفر از درجه داران به دادگاه می روند. دادگاه بعد از محاکمه‌ای ۳/۵ ساعت (از ساعت ۴ بعد از ظهر) ۵۹/۱۲/۲۵ تا ساعت ۷/۵ بعد از ظهر همان روز مجبور به آزادی دوتن از نمایندگان پرسنل انقلابی (با باقی و سگری) شده است. ■

# خلع سلاح خلق و نیروهای انقلابی خواست امپریالیسم و حامیان داخلی اوست

### پیاد رفیق کارگر ناصر توفیقیان

رفیق کارگر!  
تورا در صوف نرسده کارخانه مسیم  
وصی که  
سرود میخوانی،  
آوازهای بلندعا سنا نهاد  
در کوچه و بازار خواهد بچشد،  
از دودکن کارخانه ها  
بسیوی جا و دانگی بروار خواهد کرد!  
تا کارگران با لبهای حریک  
سرود ترا بخواند  
رفیق منیدم!  
شیر، سراسر  
در سخی خون تو  
خواهد جوشید،  
جاری خواهد شد،  
تا کا خهای ارتجاع را در هم گوید  
شفق ۵۸/۲/۲۸

### گرامی باد خاخره رفیق شهید ناصر توفیقیان



یکسال پیش کلوله های ارتجاع قلبی بیکارگر دلیبرار زین انداخت قلبی که برای زحمتکنان و برای کارگران می تپید، قلبی که مملو از امیدها و آرزوهای بود که هر مبارز راستین را هیولتا ریا با آن زندگی میکند مرتجعین سیاه دل بز دلانها و زینت سرا و راه هدف قرار دادند و بشهادت رساندند اما هم تا مریدانست و هم تما می کمونیستها بخوسی میداندند که با از بین بردن تا صرا آرماینها ی طبقه کارگر از نمیتوان از زمین سرد و ده گونا فکرم مرتجعین و مزدوران روزوازی که جز این می اندیشند، این ضرورت تاریخ است که مستطیقا تی از بین بردو جا معهای تاریخ از استعمار انسان از انسان برورانه های آن بوجود آید، انقلابیونی خون ناصر ارحلمسه انسانهای بی نیروی هستند که این ضرورت تاریخی را درک می کنند و بدان باسح مدهند، رفیق ناصر قیلا دانسجی دانسکا ده افغان بود، در آنجا علیه رژیم شاه، علیه سیم طفا نسسی مبارزه میکرد، اما هنگا سیکده حاس کردیها رها کردن دانسکا ده و کار در کارخانه نمیتواند در راه های طبقه کارگر نقش بازتری ایفا نماید، در دید یکدیگر دویه هف میلیون کارگران در کارخانه ها بیوست و در زمان ندهی مبارزه با آنان فعالانه کوسید، او از جمله هواداران فعال مباران در افغان بود، پس از قیام دوروی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، آنجا نگه همی دانیم سیاست دولت و سواری انقلاب در مقابل جیب

## نظا هرات بیکاران تهران در اعتراض به کشتار اندیشک

روردوسیه ۱۱ فروردین نظا هراتی بد دعوت "سواری هما هنگی بیکاران" در اعتراضی به کشتار فاع التحصیلان بیکاران اندیشک در تهران برگزار شد، نظا هرکنندگان که از میدان انقلاب حرکت کرده بودند، بن از عیسوز از خیابانهای "انقلاب"، "اورنجان"، "جمهوری"، "کارگر"، "امام خمینی"، سراجا مبه بارک - شهرسیده و در مقابل ساختمان روزنامه اطلاعات فطنا مه حو ترا شت نمودند، در میان جمعیت بلاکاردهای با مضامین زیر دیده شد: "در نظا هرات اندیشک ۱۳ نفر کشته شد، مدها نش زخمی و دستگیر شد"، "مرک برامیریا لیسیم خو بخوار آمریکا"، "استخدام بیکاران از طریق سواریها ایجا دبا بد کرد"، "ما با بیکاران در مقابل ساختمان روزنامه اطلاعات لیسیم"، "امیریا لیسیم" نظا هرکنندگان در طول مسیر شعار می دادند: "بیکاران اندیشک بخاک و خون انسانند، باسح به حسان را کلوله باسح دادند"، "خلق دلیبران، هدیه بیکاران، کلوله بود و زدن"، "کار برای بیکار، بدون امیریا لیسیم، بدون وابستگی"، "سار ما بیکاران، این بوده همیشه، تا قطع وابستگی بیکاری، حل نمیشه" و ... در زیر تمتهای از قطعه ما، راهیما - بان را ملاحظه می کنید:

"ببینم تی این یکسال و اندی دولت جمهوری اسلامی که با زرکا نها و میرا بنظا - ها اولین کابینه آنرا تشکیل دادند، برای ما بیکاران چه کردند، چه وعده ها می دادند و چگونه مشکل بیکاری را که بحران آن هر روز حادثر میشود حل کردند؟ و چه شکلی بگا کارگری چیزی جز وعده و وعید و سرکوب نبود! و ترورونا جوان نمردانها تا مردم در راه بطنه با همین سیاست قابل توجیه است، ناصر در جریان فعالیتهای سیاسی - کارگری خود توسط مرتجعین محلی افغان شناخته شده بود، وهنگا سیکه روز ۱۸ فروردین با رسال در راهیما نشی چندین هزار نفری کارگران بیکاران افغان و حومه از خانه کارگر به طرف اسناداری، کارگران در مقابل اسناداری اجتماع کردند تا خواست های عادلانه خود را بکوش مسئولین برسانند، او فردا دیکمته به دستور روسای خود بر روی کارگران آنسختی کسودند که در آن سها کارگر مجروح به دورتی تا مرزوفیضان سیربز دلانها بطور حساب ندهای اریست سر موردا ما بت کلوله ترا گرفت و به شهادت رسید، درود بر او که با کارگران زیست و در کنار آنها سر نشاندت رسید! قابل توجه است که دوروز قبل از این حادثه مصحف (معاون و وقت اسناداری افغان) کارگران مبارز و روح طلب را که در



بیکاران این مرز و بوم رو بریدند؟ آیا جز وعده و وعید، تهمت، جمان، زندانی کردن و کشتن بیکاران با سخی، دیکر داده اند؟ ... در شب عبیدرا اندیشک تحن و راه هیما - شی بیکاران که مورد بیستیا تی توده مردم شهرم بود، به وسیله: عنا مرتجمی کسه از آکا هی و اتحاد مردم می ترسند و منافع خود را در خطر می بینند با کمک گروهی از بیکاران که از قبل خود را برای خونریزی آماده کرده بودند مورد حمله قرار می گیرند، ۱۳ نفر از مردم شهر، ام از بیکاران یا کسانی که به حمایت از آنها برخاسته بودند را - که در میان آنها یک نفر از بیکاران که به مردم پیوسته بود هم دیده شد - کشته و بیش از هشتاد نفر زخمی و قریب یکصد نفر دستگیر میشوند ... آقای رشین جمهور، چه کسی مسئول این کشت و کشتار و نظا تراست؟ آیا شما واقعا مسیبن حادثه را نمی شناسید؟ آیا حتی این زحمت را هم بخوده اندیکه هیشتی را تا مسور رسیدگی به خواستهای بیکاران اندیشک و علت درگیری های این شهر شما ناید؟ اگر جواب مثبت است بخرا بنیجه آنرا برای آگاهی مردم اعلام نمی کنید؟ ... ما ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال وحیانه و هتخلی که در جهت منافع امیریا - لیسیم تا خواستهای خود را به شرح زیر اعلام می داریم:

● بخش اخبار و حقایق مربوط به جریان کشتار اندیشک و بندر عباس و امولا درج و پخش اخبار واقعی مربوط به بیکاران در سراسر کشور دروسا ثل ارتباط جمعی و جراید.

● ما خواهان حل رسیده ای مسئله بیکاری از خانه کارگر جمع شده بودند آنها را تهدید به کشتار کرد و گفت اگر در افغان نظا هرات کنند آنها را به کلوله خواهد دیدت، بنا بر این این کشتار را بزنا مه قلبی اسناداری و در راه بطنه با همان سیاست سرکوب جنس کارگری از جانب رژیم صورت گرفته است نه آنجا نسکه برخی از سادانندیا می پیدا کنند و حوادثی نظیر این را تصادفی و ناسی از منسلا اعمال سرخود کمینه ها جلوه میدهند، آری ما "دولت با زرکان" و "سواری انقلاب" و اسنان - داری افغان و معاون وی را عامل این قتل نا جوان نمردان می دانیم.

پس از این جنایت نیرکسی نظیر "آب اللطاف هری" کارگران مبارز و روح طلب را نماند انقلاب خوانند، اما کارگران فرزندان افغانی خود را از سنا دند و رو رسند را بس حادثه در سها که کارگران محض کردند و به کسار دیرورا عباس نمودند، با ریکس سرحواست های حق طلبانه خودی سردند، ترو در سهند راه ما، تا سر یوسفیان، اسس

بودند کارگران و این بود تجلیل کارگران از امر.

با دهمه های بخون حخته خلق کرامی باد!



## نان، مسکن، آزادی

ادامه از شماره قبل :

حزب توده نه تنها خواهان دادن امتیاز نفت شمال به شوروی ها بود ، بلکه برای توجیه این سیاست خواهان دادن امتیاز نفت جنوب به کمپانیهای آمریکائی و انگلیسی نیز بود . مهمترین زحمه در این امتیازات رفع بحران اقتصادی جامعه را که تعمیق آن در آینده می-توانست زمینه انقلاب را فراهم کند می دید . مردم برابر و ستفکران ، شماره ۱۲ مورخه ۱۳۲۲/۸/۱۹ می نویسد :

"... و بالاخره عقیده دسه ای که من سخناً در آن دسه قرار دارم اینست که دولت موریت برای امتیاز نفت شمال بسه سوووی و نفت جنوب به کمپانیهای آمریکائی و انگلیسی وارد مذاکره بسودولی تمام این مذاکرات را برای مردم واضح و آشکارا زود در بیست جنم و تحت نظارت مردم و احزاب و جراید و مجلس بسا سراط بسا رسا رسا عدا متیاز زده مد . در این مورد بسا بد از رفتار ما میان امتیاز استفا ده کرد . ما نه فقط از این لحاظ که سیاست قوی حین المللی حسین افغان- دار طرفدار سل مسئله نفت بسو فوق هستیم ، بلکه معتقدیم که برای حل بسیاری از مشکلات کنوسی یک کشور رو بسکتسه (مانند کشور ما در وضع خاص) خودداری از اعطای امتیاز به خواهانان ، بحرکت غلط و بکفره ایست که مقدمان بسا تبعیت از نقشه های مفسر است بسا تنظیم بحما قت ... بهمنا ترتیب که برای انگلستان در باره مسافعی فالیک و سر علی آت محبتی نمی کنیم بسا بد معترف بسا نیم که دولت شوروی را لحاظ امنیت خود در ایران مناقج جدی دارد "

حزب توده در واقع با این سیاست خود ، نه تنها وجود شرکت نفت انگلیس و ایران را موجه شمرد ، نه تنها کلیت موضوع نفت و طرح آن در شورای سرکشورا خدشه دار ساخت ، بلکه مراتب حیانت و سرسپردگی خود را که از ما هیت فرصت طلبان ناشی می شود به تماشا گذاشت . حزب توده با اتکا زچنین سیاستهای تصویر بسا دروغین و نفرت انگیزی از کمونسیم (که خود فریبکارانه ادعا می آنرا داشت ) در اذهان نا آگاه عمومی ایجاد کرد که جبران آن بسا ر دشوار بوده است . حزب توده بسا توجیه ما هیتش البتة فا در نیده است که بسا چنین برخورد ها و سیاستهای را اصلاح کنند زیرا این سیاستهای غلط ناشی ها تی در تاکتیک بلکه انگاس ما هیت حزب توده بوده هت . ادا هم همین برخوردهای فرست - طلبانه از دوران قدیم الهای ۲۵ تابه امروز خطرناک بوده و جریان فرصت طلبانه و تحمید - نظر طلبانه حزب توده را برای جنبش دموکرا - تیک و کمونیستی کشور ما بیش از ویش آشکار می سازد (۱) .

حزب توده بدلیل نداشتن مشی مستقل و دموکراتیک در باره موضوع نفت ، نتوانست موضع درستی مبتنی بر منافع زحمتکشان ایران ، اتخاذ کند . رهبری ملی شدن نفت را جبهه ملی و در برابر آن دکتر محمد قریب عهده گرفت و او در این میان نقش مهمی ایفا کرد . آنچه که کارگر مدق و دیگران را هموار نمود رفتار مبارزان توده بود که حتی نما یندگان خود - فروخته نیز در صورت مخالفت علنی جز سوایش چیزی نصیبنا نحمسه . در ضمن اتحاد های درونی هیئت حاکمه نیز در این امر بی تاثیر نبود .

حزب توده بدلیل نداشتن مشی مستقل و دموکراتیک در باره موضوع نفت ، نتوانست موضع درستی مبتنی بر منافع زحمتکشان ایران ، اتخاذ کند . رهبری ملی شدن نفت را جبهه ملی و در برابر آن دکتر محمد قریب عهده گرفت و او در این میان نقش مهمی ایفا کرد . آنچه که کارگر مدق و دیگران را هموار نمود رفتار مبارزان توده بود که حتی نما یندگان خود - فروخته نیز در صورت مخالفت علنی جز سوایش چیزی نصیبنا نحمسه . در ضمن اتحاد های درونی هیئت حاکمه نیز در این امر بی تاثیر نبود .

دوره جدید مبارزات مردم ایران برای ملی شدن نفت :

ما جرای سو قصبه نامه ، در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ فرصت های طلائی بشماری را برای سرکوب مبارزان و نیروهای مترقی در اختیار هیئت حاکمه سرسپرده ها ده ، هیئت حاکمه برای ادا مہ خیا نشن در زمینه قرار داد نفت نیاز به محیط رعب و خفا ن داشت که ما دسه ۱۵ بهمن این دستا و بیلازم را برای برقراری جنبش محیطی برای ارتجاع حاکم فراهم ساخت .

(۱) - روشن است که ما رویزونیستهای توده ای را داخل جنبش کمونیستی نمیدانیم .

ملی شدن صنعت نفت یکی از دستاوردهای بزرگ خلق ماست

از نما یندگان مطبوعات در منزل دکتر مصدق جمع شدند و پس از سخنانی که دکتر مصدق در - باره تقلبات انتخاباتی ایراد کرد حا فریسن جهت تنظیم اقداماتی که در این زمینه باید انجام بگیرد یک کمیسیون هفت نفری انتخاب کردند .

کمیسیون تصمیم گرفت که جهت اعتراض به انتخابات با فرمایتی در کاخ سلطنتی تخمن کنند . و نیز زوده نفری به نما یندگی از حا فریسن در کاخ سلطنتی تخمن کردند . همین تعداد در سال ۲۸ جبهه ملی نامیده شدند و در انتخابات مجلس کاندیدا های جبهه ملی در تهران اکثریت آراء را بخود اختصاص دادند .

اقلیت جبهه ملی از تصویب قرار داد گس - کلنا ثیا ن در مجلس با زده مد جلوگیری کردند . ولی اکثریت فوریت لایحه را تصویب کرد و آراء به کمیسیونهای مربوطه فرستاد . بسا وجود این دولت ما عدم موفق چه تصویب قرار داد نشد و عمر مجلس با زده مد به پایان رسید . در آغا زال ۲۹ مجلس اقلیت متشکل داشت که بر نمانه خود را مخالفت با قرار داد گس - کلنا ثیا ن و دفاع از آراء دپهای دموکراتیک قرار داده بود . از سوی دیگر از میان سازمانهای سیاسی حزب ایران شعار " ملی شدن صنعت نفت " را مطرح کرد . انگلستان بسا برای مقابله با این وضع رژیم آرا را سرکار آورد . جبهه ملی به مقابله با رژیم را برخاست و دولت رژیم آرا را " شنه کودتا " نامید .

مجلس که تصویب کرده بود لایحه " نفت به کمیونی محضی از نما یندگان شنب مختلف ارجاع شود " با مخالفت کابینه منمور مواجسه شد و رژیم آرا هم همین سیاست مخالفت و دفع الوقت را تعقیب کرد . دکتر مصدق که ریاست کمیسیون نفت را بعهده داشت اعلام کرد که قرار داد اسی و قرار داد ۱۹۳۲ و هم - چنین قرار داد الحاقی را به رسمیت نمی - شناسد . نما یندگان جبهه ملی در ادامه این مبارزات و پیشنهادهای ملی شدن نفت را تقدیم کمیسیون کردند :

" بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک به نامی ملج جهای امعا کسندگان دلیل بشما می نما شیم که صنعت نفت ایران در تمام نقاط کنوردیون امتیاز ملی اعلام شود . یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد .

حاضرین زاده - الهی رمالج - دکتر نمایگان دکتر محمد مصدق - حسین مکی " کمیسیون نفت از پذیرفتن این پیشنهاد سر باز زد . ولی در فشار نمایندگان جبهه ملی و مردم کمیسیون نفت مخالفت خود را با قرار داد الحاقی گس - کلنا ثیا ن اعلام می دارد . اعلام نظر کمیسیون نفت منجربه تظا هرات مردم علیه شرکت نفت و در تاشیدن نما یندگان جبهه ملی می شود و به سرتا سرتا بر ایران گس توش

هیئت حاکمه ایران که اکثریت آراء دسب سروردگان و حیره خواران شرکت نفت حوت و دوسان انگلستان تسکیل می دادند در برابر افکار عمومی و خواست های بحق مردم به توطئه حینی برداخت و با ایجاد محیط رعب و وحشت در زیر سایه سریزه های حکومت نظامی قرار داد الحاقی " گس - کلنا ثیا ن " را تنظیم و در آخریس روزهای دوره " با زده مد مجلس شورای ملی آراء جهت تصویب به مجلس تقدیم داشت . لایحه مذکور حاوی مواد ی که بسا ترستی و موذیکری ضمن تأیید قرار داد ۱۹۳۲ دعاوی گذشته ایران را تصفیه شده و انجام یافته تلفی میکرد و دولت انگلستان را در غارت منابع زرب خیرکشور ما تا سال ۱۹۹۲ آسوده خاطر می ساخت .

حزب توده بدلیل نداشتن مشی مستقل و دموکراتیک در باره موضوع نفت ، نتوانست موضع درستی مبتنی بر منافع زحمتکشان ایران ، اتخاذ کند . رهبری ملی شدن نفت را جبهه ملی و در برابر آن دکتر محمد قریب عهده گرفت و او در این میان نقش مهمی ایفا کرد . آنچه که کارگر مدق و دیگران را هموار نمود رفتار مبارزان توده بود که حتی نما یندگان خود - فروخته نیز در صورت مخالفت علنی جز سوایش چیزی نصیبنا نحمسه . در ضمن اتحاد های درونی هیئت حاکمه نیز در این امر بی تاثیر نبود .

جبهه ملی و لایحه تصویب ملی شدن نفت

از آنجا که جبهه ملی مجموعه ای از سازمانها و دستجات سیاسی مختلف حتی افراد منفرد را در برمی گرفت ، فاقد سرتا مہ سیاسی روشن و تشکیلات منظم بود . لذا این جبهه در برخورد با رژیم ، سیاست جبهه مبتنی بر ملی کردن نفت جبهه را از محبوبیت قابل ملاحظه ای در بین توده های مردم بسر - خورد را ساخت ، محور کار تمام دولتها در مدت زمانی که موضوع نفت مطرح بود ، این بود که از تصویب ملی شدن نفت جلوگیری کنند و تا در این کار با شکست روبرومی شدند بلافاصله استعفا کرده و ما موریت را به سر - سپرده دیگری واگذار می کردند .

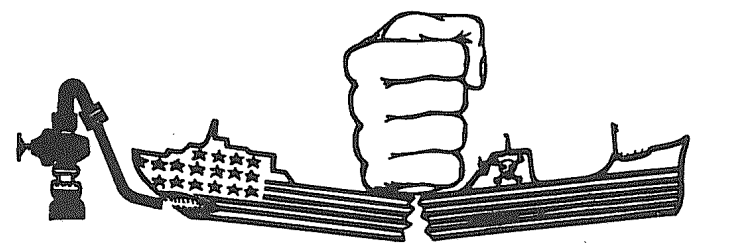
قرار داد گس - کلنا ثیا ن بدلیل مخالفت اقلیت مجلس با زده مد و مبارزات مردم و حمایت برخی از نما یندگان از اقلیت بسا وجودی فشاری سا عد ز نخست وزیر وقت ( و دربار تصویب نشد ) ارتجاع قصد داشت بسا تصویب این قرار داد تا آنجا که می توانند - سرپردگانش را به پای زلما نکیل داد رندا - شنه را حتی بتوانند این لایحه را تصویب کند ولی موفق به اینکار نشد . در روز ۲۸/۷/۱۸ عده ای

می باید ، بیانیته آیت الله کاشانی در تاشید " ملی شدن صنعت نفت " به بسیج مردم علیه شرکت نفت کمک کرد . بدینال این ماجرا مجلس رد قرار داد الحاقی را در ۲۶/۹/۲۹ تصویب کرد و در همان جلسه پیشنهادی با امضای یازده نفر از نما یندگان در باره ملی شدن نفت تقدیم مجلس شد . ولی چون امضای کافی ندا شد مطرح نشد . رژیم آرا شیدا با این پیشنهاد دخا لفت کرد و در خفا با انگلیسیها به زود بیتد مشغول بود . و مذاکراتی را بطور سری با انگلیسیها آغاز کرد . آمریکا نیز برای سهم بردن خود در غارت نفت ایران اعلام کرد که حاضر است بسین ایران و انگلستان میاننجگیری کند و از ایران می خواست که با الگوی آمریکائی عربستان را شگند با این پیشنهاد بسا انگلستان بسا تقدیم شد و پیشنهادی در تاشید عوا بدرا به رژیم آرا داد . رژیم آرا در ۱۶/۱۲/۲۹ بدست نمایان اسلام ترورش .

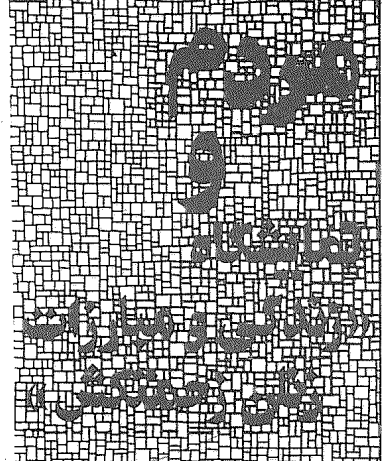
قتل رژیم آرا در تسریع ملی شدن صنعت نفت تاشیر داشت . سرتا مہ کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آراء اصل ملی شدن صنعت نفت را در سراسر کشور پذیرفت . و مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ و مجلس سنا در ۲۹ اسفند این لایحه را تصویب کرد .

سیاست حزب توده در باره برجسته ملی و شخص مصدق بر اساس تحلیل غلط حزب توده از جبهه ملی و مصدق و عامل آمریکا و استعمار دانستن آنها در مجموع باعث شد که حزب دموکرات ملی شدن نفت نیز به بیرا هبرود . البتة کمیونیتها هیچوقت از این موضع بسا مسئله نگاه نمی کنند که چرا حزب توده سازش - کاربها و بنا بگیریها و زود ببندها و محافظه - کاربها و تکیه بیش از حد بر خفا نا آمریکسا و انگلیس جبهه ملی را افشا میکند . حزب توده بدون توجه به ما هیت جبهه ملی همه جریانات درونی و عملکردهای آنرا با یک چوب راند و نتوانست حمایت مشروط از این اقدامات بکند و از یک موضع " چپ " به این مسئله برخورد کرد . حزب توده وظیفه داشت ضمن حمایت از اقدامات ضد امپریالیستی مصدق ترزلزل و نا بگیری آنرا افشا کند و بیخوس می بایست بر این مسئله پای می فزرد که ملی شدن نفت ما جریا و جد سلطنت است و بسا برای حفظ این دستا و بیلازم است که سلطنت سرتا مہ شود . مصدق نیز از آنجا که می خواست در محدوده قانون ( البته قانون بورژواشی ) استقلال کشور را تضمین کند و از نا ه می خواست که سلطنت کنده حکومت ، در زمان وقوع کودتا دست روی دست گذاشت و حتی از امکانا تسی چون رادیو نیز استفاده نکرد . حزب توده نیز که بعد از چپ روی طولانی بخود آمده بود ، این بار به موضع راست غلطیده ، در انتظار اقدامات مصدق تا آنجا بصیر پیشه کرد که کودتا چسان ( را ذل و ایا ش به رهبری شعبان جعفری و ارتش و سایر نیروهای انتظامی ) حکومت ملی را سا قط کردند . بعد از زکودتا ملی شدن نفت فقط بروی کا غذایی ما ندا و مهربا لبسم دوباره بر کشور مستولی شد و بار ت متابع نفت پرداخت .

در پایان لازم می دانیم بیک نکته اساسی اشاره داشته باشیم . امروز بسا مانده های جبهه ملی و سایر پاتالهای لیبرال و سلطنت طلب تلاش میکنند از مواضع ترقی خواهانه خود در سالهای ۳۰ بهره برداری کنند . سنجایی ها و فروهرها و مکی ها و ... که بدلیل شرایط خاص آن زمان توانسته بودند موضع ملی و ترقیخواهانه ای در مسئله نفت داشته باشند کوشش می نمایند بقیه در صفحه ۱۳



همه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!



نمونه از صفحه ۱۲  
ملی شدن ...

سرای خودا اعتباری در پیش توده‌ها کسب کنند، اما وضعیت‌ها بگونه دیگری است، بورژوازی غیر وابسته (ملی) در زمان مصدق و در یک رسم‌شودال - کمربادور وابسته به امپریالسم برتوت انگلستان می توانست علی‌رغم ساسی نایب‌کبری بهایش نقش ملی وترقی - جوا بهای ایفا نماید. چراکه این نظام از طرفی مانع از رشد بورژوازی بود و از جانب دیگر امپریالسم کم‌درمان بران معنسی انگلستان را این نظام کم‌ملا پشتیبانی می نمود و بدلیل شرایط جهانی و فسادهای بین امپریالسم حتی فادربه املاجات جزئی سیزدرا بران نبود.

در آن زمان ملی کردن نفت چیزی بود که دقیقاً در خدمت رشد و بسط مناسبات کالای فرارمی گرفت، و بورژوازی ملی بخصوص زمانی که می توانست بر قدرت سیاسی نیز سهم پیدا کند، از آن درجهت رشد خود استفاده می برد، اما برعکس ملی کردن نفت به امپریالسم انگلستان و پیاپیگاه داخلی آن ضربه وارد می کرد. اما امروزگی؟ آیا امروزگی از گذشت حدود سه دهه پس از تغییر و تحولاتی که میهن ما از سر گذرانده است باز بورژوازی می تواند چنین نقشی داشته باشد؟ امروز نظام کم‌کم بر میهن ما نظام سرمایه داری وابسته است. نقش روزافزون پرولتاریا از یک طرف و تغییر و تحولات نانی از قیام از جانب دیگر بهیچ‌ا ز پیش بورژوازی لیبرال را بسط امپریالسم می راند. بی جهت نیست که امروز سرمایه داران لیبرال از حایان اصلی امپریالسم و نظام سرمایه داری وابسته در ایران می باشند. البته طبیعی است با قدری اصلاح و رنگ و روغن کاری و اشفافی نیست که آنان ضدیت خود را با کارگران و دهقانان بصورت آشکار نشان می دهند و نیز بی جهت نیست که آنها مجبورند همچون بازرگانان آشکارا از دوستی عمیق خود با امپریالسم آمریکا حرف بزنند.

با توجه به این واقعیت‌هاست که امروز بورژوازی لیبرال نقش ترقی خواهی و ملی کرائی خود را از دست داده و اساساً نقش ارتجاعی در کشور ایفا می نماید. و بنا توجه به این واقعیت‌هاست که توده‌ها روز به روز با هم بیشتر از آنها فاصله می گیرند. آری لیبرالها امروز همچنان رسوا و بی‌آبرو هستند که ناگزیرند بیشتر در پوشش مذهب و عصبانیت و در اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی خود را

کوشید مطالب بسیاری در این مورد را ندهیم. (ت-ش از سندج: من از شهر سندج آمده‌ام، تماماً به دستکده فنی آمدم و به این نمایانگه برخوردیم. من نمی دانم با چه زبانی از کسانی که در تهیه این نمایانگه کوشیدند، تشکر کنم. من برداشتی که از این نمایانگه و طرز برخورد دست اندرکاران کردم، برای سجهای همکلاسی تعریف می‌کنم. (کوتاه شده - پیکار)

(پیکار: با تشکر از دوست دانش آموز سازمان پیکار در رد راه آزادی طبقه کارگر خواهد کوشید که از این نمایانگه‌ها در سرتا سر ایران و بویژه کردستان قهرمان دایر کند)

یک پاسدار: روی هم رفته تمام مسائل با دیده در این نمایانگه بسیار قابل بود، ولی مسئله‌ای که باز دوری آن تکیه نشده بود مسئله استعمار امپریالسم آمریکا در بین خلقهای ستمدیده تمام دنیا بود.

(پیکار: البته اینکا در مورد زنان منطقه عمان، فلسطین و... انجام گرفته بود، ولی آنها بطوریکه دوست با سدا رمتذکر شد ه شامل تمامی خلقهای ستمدیده دنیا نبوده که حتی الامکان سعی خواهیم نمود که این تقیمه را جین کنیم)

سازمان پیکار در رد راه آزادی طبقه کارگر با تشکر از استقبال گرمی که هموطنان عزیز از این نمایانگه بعمل آورده اند، اعلام می‌دارد که با خرسندی تمام از انتقادات و نظرات اصلاحی شما هموطنان عزیز بهره گرفته و در کارهای آینده خود حتماً این نظرات و انتقادات را داخل خواهد داد.

این نمایانگه که ساعت و روهرای سمارای را صرف کرد آوری این مجموعه جالب کرده اند خودنداند که دیدن هر کدام از این عکسها ویا خواندن آن اشعار انقلابی جدا تر عینی بر روح و قلب انسان می گذارد. با دریکرتکرار و سراس فراوان

یک هموطن ارمنی: خیلی خیلی جالب وکاملاً آگاهی به مردم میدهد، امیدوارم موفق شوید، فکرمی کنم نمایانگه، واقلاً جان تازه‌ای به "روزگاری هیمنستی زنان" می دهد. بی اختیار بیاد حرفهای گورکی می افتم: ستایش کنیم زن را، مادرا که "پاولها" آفرید!

یک مادر: نمایانگه خوبی بود و عکسهای جالبی بود و امیدوارم همیشه و در همه کارها موفق و پیروز باشید.

یک درجه دار ارتش: من بعنوان یک درجه دار ارتش، سقا رتی می‌کنم که اگر طبقه‌ای که منافع سرمایه داران را محفوظ کرده و الا... (خواهنده می‌شود) چه کارهایی میکنند که با زهم ارتش آریا مهری را بسازد کنند، عکسهای از دید بختی درجه داران که الان همتا حرف می‌زنند به زندان می افتند، به این سالن اضافه کنید.

(پیکار: دوست عزیز! چون این نمایانگه به زن اختصاص داشت، طبیعاً خواسته شما نمی توانست برآورده شود. اگر چه ما در نشریه خود "پیکار" همواره به ستمی که به کارهای پائین ارتش می رود پرداخته و گوشه‌هایی از مبارزات ترسناک انقلابی را انعکاس داده ایم، با این حال در آینده خواهیم

کمیته زنان "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بمناسبت روز جهانی زن نمایانگه‌ای از زندگی و مبارزات زنان زحمتکش و قهرمان ایران ترتیب داده بود که از روز ۵۸/۱۲/۱۹ تا پایان سال گذشته در دستکده فنی دانشگاه تهران ادا می‌شد. در این نمایانگه از یادیدگنندگان خواسته شده بود که نظرات و پیشنهادات اصلاحی خود را در مورد چگونگی نمایانگه، در دستری که به همین منظور گذاشته شده بود، بنویسند و ما را در هر چه غنی تر کردن نمایانگه‌ها ی بنیادی یاری کنند.

با اینکه مدت زمان نمایانگه کوتاه بود ولی اقتضای شرایط مختلف به میزان وسیعی از این نمایانگه‌ها یادیدبعمل آوردند و آنطور که از انتقادات، نظرات و پیشنهادات ارائه شده بر می آید، با استقبال امیدبخشی روبرو شده است. در اینجایا ذکر نمونه‌ها نمی بدون آنکه تغییر در شیوه نگارش داده شود، از نظرات و راه‌نمایی‌های بازیدگنندگان تشکر می‌کنیم.

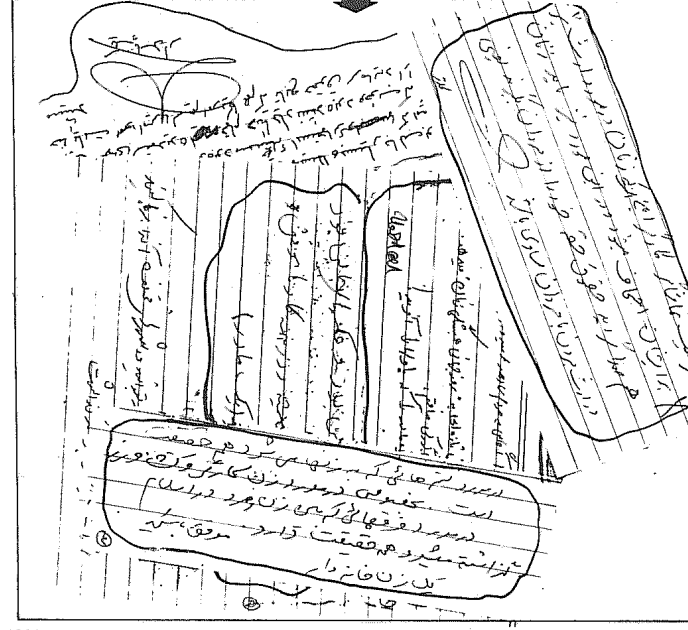
یک کارگر: زنان در مورد ارتش نیز برایمان اجاف می‌شود، باید هم صدا گردید و حقوق خود را بگیرند.

یک زن خانه دار: در مورد ستم‌هایی که به زن‌ها می‌شود، همه حقیقت دارد، بخصوص در موردن کارگر و کشاورز. در مورد دخترهایی که بین زن و مرد در سلام گذاشته می‌شود، همه حقیقت دارد. موفق باشید.

بیژن س: کارتان بسیار عالیست، اگر ممکن است پس از اتمام مدت نمایش، آنرا در محلات، خصوصاً محله‌ها را منته نشین و جدیدیه و سایر همسنگان برگزین کنید. (پیکار: در آینده خواهیم کوشید این نمایانگه‌ها را در محلات گوناگون و بویژه در مناطق جنوب شهر برگزار کنیم)

یک فرد مذهبی: امیدوارم کسانی که مطالب نسبت داده شده به آقای مطهری را مطالعه کرده اند، آنقدر دگرمناسند که به همین اکتفا کنند. بکتا با اصلی آقای مطهری رجوع کنند تا درکل قضیه قضاوت نمایند و الا با بریده‌هایی از یک کتاب میشود بهترین کتابها و منطق‌ها را هم گویند. (پیکار: اعتقاد به مسئله‌ها برای زن و مرد چیزی نیست که منحصر به آقای مطهری باشد. در این مورد تمام متفکران اسلامی متفق القولند و بجز انقلابیون مسلمانانی که در سالهای اخیر بیس نوینی از اسلام ارائه می دهند، همگی به یست بودن جنس زن اعتقاد دارند)

یک فرد مذهبی دیگر: با عرض تشکرو سپاس فراوان از این همه شور و احساس و دقت و نکته سنجی، آرزوی بیشریت و کامیابی هر چه بیشتر بر کارگران و کشتکاران این نمایانگه را از خدای بزرگ خواستارم. نمایانگه‌ها را در دستگن



بقیه از صفحه ۱۵  
نگاهی به ...

شوند. حوالی ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که بیگانی از کمیته منطقه ۸ آمد و بگوئی را برد. و به این ترتیب آتش حدود ساعت ماباره تا سرحد گذشتن از جان بدون حادثه ای پایان یافت. اگر بگوئی میخواست به زور اسلحه و رشودنا جا برود از روی نقش کارگران بگذرد، و چنین است حتماً به مقتضات کارگران هنگامیکه دست به مبارزه میزنند.

شنبه ۵۸/۱۲/۴

در این روز از صبح گزارش جریات سبب گذشته به اطلاع کارگران رسید و اسنادی که از اتاق کارفرما بدست آمده بود افشا شد. در ضمن از طرف دفترها هنگی تصمیم گرفته شد که کارگران را در دسته‌های ده بیست نفری به ادارات مختلف دولتی بفرستند، سه میانی سوس به سجاهی مختلف، یعنی شورای انقلاب، دادستانی انقلاب و وزارت کار فرستاده شد. ادا می‌دارد...

# داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است



# من کارگرم

من کارگرم  
 اسطوره‌ای از دردها و رنجها  
 از خشم و نفرتها  
 اسطوره‌ای از فریادها و عیان  
 از کار و آبادی جهان  
 مراد درون کا رخانه‌ها  
 از میان خانه‌های فروریخته  
 که در دل کوجهای تنگ و کوربیم  
 چسبیده اند

از فقر و کسکی  
 مراد طبقات رنج بجوی  
 مرا از نگاه و کینه‌ها  
 از فریاد دختم  
 از دستهای پینه بسته ام بشناس!  
 مرا در کتبر دیدی  
 چگونه غرض عظیم من  
 جهان را بلرزده در آورد  
 چگونه نعره و عصیانم  
 بیدار دگران را با خاک سپرد . . . .  
 ومن امروز هم  
 بردای نیا مده را می بینم  
 که چگونه با دستهایم جهان را  
 دگرگون خواهم کرد .  
 شعر از رفیق حسن ، کارگرم و آواز سازمان

## از مبارزات فارغ التحصیلان اردبیل پشتیبانی کنیم!

اردبیل آمده بودند شروع به تحریک اذهان عمومی بر علیه ما متحصنین میبایستند. تنها به اظهار خودشان هیچ مسئولیتی در مورد جواب متحصنین نداشتند و این طوطی جنتی و دروغ - پردازی را شروع میکنند، اینکه متحصنین - چه فوایدی و چه سودهایی برای ما دارد و عوام را با لیسیم هستند و درباری زرسی خانه آنها مشروبات الکلی بدست آمده و از این قبیل تهمت‌های رایج و معمولی. فارغ التحصیلان بلافاصله در اطلاعیه شماره ۱۱ این دروغ‌پردازان زبانی و آقا با ما همکاری را ادیورا محکوم کرده و خواهان ارائه مدارک میباشند و اظهار میکنند که عوام را میریالیسم شامی هستند که می خواهند ما را حق طلبانه عده‌ای بیگانه را خفه کنند و به آنها ما را دروغین بزنند و همانا عامل تمام این بیگانه‌ها میریالیسم و عوام را آن می باشد. بدنبال این افشاکاری و تهمتنمایی در سرچهار راه ملی شهردر میگذرد و مردم بیشتر از توطئه مسئولین آگاه میشوند. تحریکات دیگری نیز در نماز جمعه شروع میشود، اینکه چه پولهای شیطان در محل تحصن بردو باخت میشود و از این قبیل تهمت‌های ردیبلان، در صورتیکه اکثر مردم بخوبی آگاه بودند که هزینه تهیه اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها از خانواده‌های متحصنین جمع آوری میشود. روز جمعه ۵۸/۱۲/۸ قرار بود (بله) با هر عده‌ای از محل برگزاری نماز جمعه جهت قانع کردن متحصنین به ادراستی راه پیمائی کنند و در بارن هدف حمله به تحصن بود ولی بسا هوشیار متحصنین از تمام خانواده متحصنین دعوت میشود که در محل تحصن حاضر شوند و این توطئه را خنثی کنند و بدین ترتیب عظیم - این تحریکات و سرانجام چینی حمله با کسب اینک آنها همه مثل بچه‌های ما هستند حمله‌ها به روزهای دیگری موکول میکنند ولی بسا عده‌ای معلوم الحال حدود صد نفر به محل تحصن می آیند ولی بدون کوچکترین نتیجه ای متفرق میشوند. ■

در روز ۵۸/۱۰/۱۰ نمایندگان دیپلماهای بیگانه رو کلیه فارغ التحصیلان بیگانه شهرستان اردبیل با حضور فرماندار طرچی جهت اشتغال فارغ التحصیلان ارائه میدهند و این طرح جهت تصویب به تئریز فرستاده میشود ولی هیچ جوابی دریافت نمیشود. فارغ التحصیلان که از بی توجهی مسئولان ناراحت شده بودند در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۴ در سالن تربیت بدنی این شهرستان اجتماع کرده و پس از سخنرانیهای بطرف فرمانداری شهرستان راه پیمائی میکنند، در داخل فرمانداری شخصی مسئول (علم‌ها) قول بررسی طرح اشتغال فارغ التحصیلان را میدهد و آنگاه فارغ التحصیلان حاضر قطعا مه‌دوازده ماهه‌ای را فراغت می - کنند و در ماه دوازدهم به مسئولین تا تاریخ ۱۱ اسفند مهلت میدهند و سپس فرمانداری را ترک میکنند. در قطعا به فارغ التحصیلان به حدت شرایط سنی در قانن استخدام استفاده دختران سپاه ی دوره ۲۱ و قبول طرح اشتغال تا کید می کنند .  
 در روز پس از تمام شدن مهلت قید شده در قطعا به تاریخ ۵۸/۱۲/۱۲ حدود ۲۰۰۰ نفر از فارغ التحصیلان جهت شنیدن حساب مسئولین در مورد قطعا مه‌دوازده ماهه‌ای در فرمانداری اجتماع میکنند، در این تجمع هیچ کس جوابی ندادند و کفیل فرماندار از موضوع اظهاری اطلاع می‌کنند و در آخر اعلام میکنند که این قطعا مه‌رانی نمی توانند جواب بدهند. فارغ التحصیلان که از این همه بی توجهی به ختم آمده بودند بطرف اداره دارائی راه پیمائی کرده و در آنجا متحصن می شوند و اعلام میکنند که تا به خواسته‌ها پیمان رسیدگی نموده به تحصن خود ما خواهند داد . عده‌ای که متحصن می‌شوند تا نوشتن اطلاعیه - هائی مردم را از خواسته‌های برحق خود آگاه می‌سازند و از طرفی هم آزاران سازمان بیگانه عده‌ای از دانش آموزان دبیرستانها اعلام هیبتگی میشود .

البته حزب جمهوری اسلامی، در آخربین روزهای قبل از رای گیری، با هیاهوی فراوان و خبریک "ائتلاف بزرگ میان این حزب" و "روحانیت مبارز" و "سازمان مجاهدین - انقلاب اسلامی" را اعلام نمود، و ائتلافی کسه تغییرات محدودی در لیست کاندیدائی این حزب نیز بوجود آورده بود. (حدود ۷ کاندیدای حزب تغییر یافته بود). لیکن اظهارات حجت الاسلام مروارید، از طرفداران بنی صدر در جامعه روحانیت مبارز، در باره این ائتلاف، دروغین خواندن آن و حمله‌ها به حزب جمهوری اسلامی، بی‌مناسبت اعلام چنین ائتلافی، نشان می داد که چنین ائتلافی حداقل با کل جامعه روحانیت مبارز (چون در درون این نهاد، اختلافات آشکاری وجود دارد)، دروغ بوده است. و بنظر می رسد، توافق میان خاندانهای از طرف حزب و حجت الاسلام آبا دی از طرف روحانیت مبارز بر سر ائتلاف، بدرواقعیت امر جز توافقی میان جناح طرفدار حزب جمهوری اسلامی در درون روحانیت مبارز، وجود حزب نبوده است. بهمین جهت این ائتلاف در واقع با پایه‌های چندانی نداشته است و حزب جمهوری اسلامی بیش از هر چیز بنا بر هیاهوی تبلیغاتی پیرامون چنین ائتلاف کاذبی را خورده است .

و اما در مورد جناح بنی صدر. جناح بنی صدر از یک تشکیلات منظم حزبی و سازمان یابدهای متشکل، برخوردار نبوده و نیست. پس از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی بنی صدر، او کوشید تا به منظور احراز موفقیت هر چه بیشتر در مجلس، طرفداران خود را متشکل سازد و آنها ده‌ای سراسری گسترده‌ای بوجود آورد که نیروهای وسیعی را تحت رهبری او متشکل نماید و برای شرکت در انتخابات و احراز موفقیت در آن، ابزار لازم را فراهم آورد. "کنگره بزرگ اسلامی" در رابطه با چنین هدفی بی ریزی شد. لیکن این کنگره موفقیت چندانی بدست نیاورد و عملاً نتوانست گامی در جهت تحقق چنین هدفی بردارد. در آخربین روزهای قبل از رای گیری، طرفداران بنی صدر با تشکیل "دفترها هنگی همکاری های مردم در انتخابات" - چنین وظیفه‌ای را بعهده گرفتند، ولیست کاندید - های خود را ارائه دادند .

تشکیل یک مجلس هماهنگ با رئیس جمهور، از نظر بنی صدر اهمیت فراوانی داشت. در تمام سخنرانی‌ها، بما جبهه‌ها و... بنی صدر بر این نکته تاکید کرده است و حتی از آیت الله خمینی نیز در این رابطه یاری گرفته است. از سوی دیگر بنی صدر طرفداران او می دانستند که به تنهایی و با فعالیت منفردانه خود نمی توانستند در ترکیب نمایندگان مجلس منفعت خود، تا ثیرات تعیین کننده‌ای داشته باشند. او از امتیازات و برتری های حزب جمهوری اسلامی در این عرصه مبارزه کمال آگاه بود. بهمین جهت، از همان ابتدا، چه در قالب "کنگره بزرگ اسلامی" و چه در قالب "دفترها هنگی" ... تلاش نمود تا "حزب" را بر سر راه آورد، و با گرفتن امتیازاتی بنفع خود در لیست کاندیدائی

بقیه از صفح ۲  
 نگاه می‌بندد...  
 مخصوص بنی صدر، مستلزم دادن امتیازاتی نه چندان کم به این جناح بود. این ائتلاف ایجاب می کرد که "حزب" از تعداد قابل توجهی از کاندیداهای خود بنفع کاندیداهای طرفدار بنی صدر (و یا کاندیداهای مورد نظر او) گذشت نماید و لیستی را امضاء نماید که تعداد قابل توجهی از کاندیداهای مورد نظر بنی صدر (یعنی جناح رقیب در هیئت حاکمه) را در خود جای داده است .

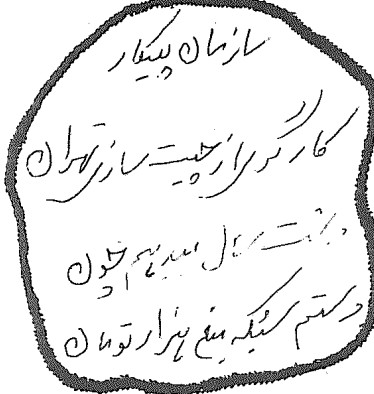
حزب جمهوری اسلامی با توجه به لبرک‌های برنده‌ای که در دست داشت حاضر نبود امتیازات قابل توجهی را از دست بدهد و میدان را برای جناح رقیب وسیع تر نماید. بهمین دلیل بود که مذاکرات میان این دو جناح - برای ائتلاف به نتیجه‌ای نرسید و در انتهای هر یک راه‌های دیگری در پیش گرفت . بدون کس چنین ائتلافی بیشتر نبود .

جناح بنی صدر تا می‌شد تا حزب جمهوری اسلامی و زونه قدرت طرفداران او را در مجلس بیشتر می کرد (اگرچه ممکن بود که این وزنه با زهم سبکتر از وزنه قدرت "حزب" باشد) . البته نکته‌ای را که باید بدان با توجه کرد این است که عدم تفایل حزب جمهوری اسلامی به ائتلاف با جناح‌های دیگر را هم چنین با یید در رابطه با کس خطراتی از جانب قطب چپ و انقلابی در انتخابات، پس از تصویب طرح دوم مرحله‌ای کردن، نیز در نظر گرفت. چنانچه چنین قانونی وجود نمی داشت، چه بسا این حزب بدلیل احساس خطراتی از جانب این قطب، برای مقابله با آن، دست ائتلاف بسوی جناح‌های رقیب دراز می کرد و در این میان از دادن امتیازات چشمگیر به جناح مقابل نیز دریغ نمی کرد .

البته عدم ائتلاف آشکار حزب با "همنام" دلیل دیگری هم داشت و آن بی اعتباری و رسوائی عناصر متشکل در این جمعیت و نیز برخی از کاندیداهای تعیین شده از جانب آن بود. "همنام" در واقع کسی نبود جز "نهضت آزادی" (داخل و خارج) با زعامت مهدس بازرگان. حزب جمهوری اسلامی برای حفظ حیثیت و اعتبار خود در میان مردم و نیز بدلیل تضادهای که با این جناح در محنت قدرت سیاسی داشت، با رها کردن جریان را بمانند یک "جریان سازگار" مورد حمله قرار داده بود و در بسیاری موارد رها از آراضای این جریان از تریبون جاسوخانه آمریکا، حمایت و پشتیبانی نموده بود. بنا بر این چنین ائتلاف آشکاری کسه ما میترسیدیم این حزب را در پیش خودهای مردم به عیان باز میکرد. بهمین دلیل، نه تنها هیچگونه ائتلافی میان این دو جریان صورت نگرفت، بلکه با رفتار رهبران حزب جمهوری اسلامی، بنی مهدس بازرگان نیز که در راس کاندیداهای گروه "همنام" قرار داشت مورد حمایت قرار نگرفت و با نام او در لیست کاندیدائی "حزب" وارد نکردند. علاوه بر این، لیست این دو گروه، هر دو مورد رجائی و معین (فر) نقطه اشتراک دیگری نداشتند .

## کمک مالی يك رفیق کارگر

یک کارگر مبارز از کارخانه جیت سازی تهران مبلغ هزار تومان کمک مالی به سازمان کرده، با این جمله که "دست سال می - دهم چون دستم سبک" ما لازم می دانیم که در همین جا اعلام داریم که از اینکه توانسته ایم قدمی در راه آرمانهای طبقه کارگر برداریم و از آغاز تا حال از کمکهای مالی این قبیل رفقای کارگر برخوردار باشیم، برخورد می - بالیم. با آرزوی موفقیت برای این رفیق کارگر!



## هموطنان مبارز! رفتای گرامی!

سازمان ماهواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد .  
 کمکهای مالی خود را از هر طریق که می‌توانید به دست ما برسانید

دست به ائتلاف مشترک با آن بزند (بعنوان مثال "دفترها هنگی" ... "اصر فراوان داشت که در لیست مشترک "دکتر آیت" وجود نداشته باشد، که حزب نیز شدیداً با آن مخالفت میکرد). لیکن در این ائتلاف جناح بنی صدر امتیازاتی قابل توجهی را طلب میکرد . امتیازاتی که میتوانست اهداف مورد نظر نشان را تا مین کند، یعنی ترکیب مجلس را بنفع جناح بنی صدر و عناصر "هماهنگ" با سیاست های او، برکردارند. این امتیازات کلان را نیز حزب جمهوری اسلامی بهیچ وجه "منوع" ننموده و فرس نام میدهد. بهمین جهت چنین ائتلافی علیرغم پشتیبانی مکرر بنی در پی، هرگز به ثمر نرسید .

ادا مه‌دارد . . . .

# ابتکار انقلابی جوانان شهرک ولی عصر

ما تاکنون در مساره‌های گذشته، پیکار اخبار مبارزات زحمتکشان شهرک ولی عصر را درج نموده‌ایم. مردم مبارزان شهرک ماه - هاست، علیه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ دست به مبارزه ای بکسر زده‌اند.

در آخرین روزهای سال گذشته حدود ۵۰۰ نفر از اهالی شهرک بدعوت نمایندگان انجمن از مساجد اجتماع کردند. در این اجتماع نمایندگان مردم مبارزان اسناد و مدارکی جنایات و خیانت‌های سرمایه‌داران وابسته را برای مردم افشا نمودند. در این اجتماع همچنین یکی از نمایندگان از حمایت دستگاه‌های دولتی مثل دادستانی انقلاب و کمیته مرکزی از سرمایه‌داران (غیاثی، جوامرودو...) پرده برداشت.

لازم به تذکر است که غیاثی‌ها (علی غیاثی از دوستان نزدیک مهندس بازرگان است) از زمینداران عمده این شهرک میباشند که با فروش زمینهای شهرک بقیمت گزاف قبل و بعد از رژیم "جمهوری اسلامی" حاصل دسترنج زحمتکشان جامعه، ما را جابول کرده‌اند.

خواستهای زحمتکشان شهرک ولیعصر عبارتند از:

- محاصره اموال سرمایه‌داران و زمینداران وابسته که چون زالو خون مردم شهرک را مکیده‌اند.
- افسای روحانی نمایان که در شورای روحانیت شهرک هستند.
- افسای حامیان سرمایه‌داران در دستگاه‌های دولتی و تشکیل دادگاه در محل برای احقاق حقوق مردم و رسیدگی سفارت و جابول سرمایه‌داران.
- اما از آنجا که اهالی مبارزان شهرک تا بحال از راه‌های قانونی مانند شکایت بدفترت امام، دفتر ریاست جمهوری و... کاری از پیش نبرده و تنها وعده و وعید شنیده‌اند، این بار خود اقدام کرده و دست بیک ابتکار انقلابی زدند. در تاریخ ۵۹/۱/۱۱ جوانان مبارز و آگاه شهرک طی یک حرکت انقلابی دهپا معارضه و قسمتی از زمینهای غیاثی را محاصره کردند. همزمان با این ابتکار انقلابی عده‌ای دیگر از مردم مبارزان شهرک تکه زمینی را که متعلق بیکی از سرمایه‌داران بزرگ بود محاصره کرده تا با درختکاری آنرا به پارک عمومی تبدیل نمایند.
- مبارزه زحمتکشان شهرک ولی عصر علیه سرمایه‌داران وابسته همچنان ادامه دارد. اینک آنها در عمل بهی اساس بودن راه‌های قانونی پی برده و خود دست بکار شده‌اند تا حقشان را از سرمایه‌داران مفتخور بگیرند.
- درود بر مردم مبارز زحمتکشان شهرک ولیعصر

# همصدا با مبارزان فلسطینی جنایت جدید امریکا را محکوم میکنیم

"زبا دا بوالعین" حدود ۷ ماه پیش در آمریکا دستگیر شد. میربا لیستهای آمریکا می خواهند او را بجرم وطن پرستی و بجرم دست داشتن در چند سلسله عملیات انقلابی علیه اسرائیل، به بیادگاه‌های اسرائیل تحویل دهند، تا خادیه عمومی دانشجویان فلسطین در این باره اطلاع‌های منتشر کرده است. ما ضمن حمایت بیدریغ از مبارزات عادلانه خلق فلسطین در کلیه زمینه‌ها، متن این اطلاعیه را عیناً در زیر می آوریم و از کلیه رفقا، هوا - داران و نشریه‌های مبارزان می خواهیم که در افشای این جنایت آمریکا و جلوگیری از تحویل این انقلابی فلسطینی به دشمن، اقدامات ممکنه را عملی سازند (شایان ذکر است که دانشجویان میهن پرست عرب در ایران نیز بنیابندهای در این باره منتشر کرده‌اند).

- آمریکا تا هفتاد و سه سال به مردم ایران تحویل نمی دهد ولی یک انقلابی فلسطینی را به "جرم" اقدامات انقلابی به جلادان اسرائیلی تحویل می دهد.
- همه نیروهای انقلابی و مبارز وظیفه دارند فریاد خود را علیه این جنایت جدید آمریکا بلند کنند.
- شورای انقلاب، بنی صدر و کل هیئت حاکمه که اینقدر از مخالفت با آمریکا و حمایت از فلسطین دم میزنند، چرا در این باره سکوت کرده‌اند؟ و چرا با وجود گروهکهای فیکه در اختیار دارند فشاری بر آمریکا وارد نمی‌آورند؟!؟

یک دانشجوی انقلابی فلسطین بنام

## دولت جنایتکار آمریکا يك مبارز فلسطینی را دستگیر کرده و میخواهد او را به صهیونیستها تحویل دهد

را از نقطه‌ای به نقطه دیگری فرستد، کارتر که از حمایت شاه آدامکن حتی در چنین لحظاتی شرم نمی کند و قیحا نه اعلام می‌داند که دانشجوی مبارز فلسطینی زبا دا بوالعین را به سروریه‌های صهیونیست تحویل خواهد داد. این است اجرای سیاست حقوق بشر که کاخ سفید و دولت آمریکا از آن دم میزنند: حمایت از آدمکشانی چون محمدرضا پهلوی و دستگیری و تحویل مبارزانی چون زبا دا بوالعین به بیادگاه‌های دشمن و این است منطق مشترک امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها که هدفش نابودی حقوق ملی خلقهای رزمنده، آزادی است. تحویل برادر مبارز زبا دا بوالعین به دشمن صهیونیستی تجا و آشکاری است به حقوق بشر که قوانین بین المللی آنرا بر سر می‌شناخته‌اند. قوانینی که مفاومت و دست زدن به کلیه اشکال مبارزه برای خلقهای ستمدیده را بعنوان یک حق پذیرفته‌اند.

اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین - شاخه ایران ... بنام انجمن از حکومت ایران و احزاب و سازمانها و گروههای مردمی می خواهد که تلاش خود را برای جلوگیری از اجرای این تصمیم امپریالیستی - صهیونیستی فاشیستی که دولت آمریکا اتخاذ کرده است بکار گیرند

انقلاب تا پیروزی مستحکم با پیوند انقلاب فلسطین و انقلاب ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم و فاشیسم اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین شاخه ایران

همبستگی و هماهنگی بین عمال سیا و سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) در جهت تشقیب مبارزین فلسطینی و سرکوب فعالیت‌های آنان در داخل و خارج میهن اشغالی، امری سابقه دار است، آنها در حال حاضر می - خواهند توسط خود مخاری دست بخت صهیونیست‌ها را که هدف آن نابودی انقلاب فلسطین و ما هیت عادلانه آن است به اجرا در آورند و موجودیت صهیونیست‌ها را بر خاک فلسطین نسبت نمایند.

دانشجوی مبارز فلسطینی (زبا دا بوا - لعین) به اساره صهیونیست‌ها و به تهمت اقدام به چند عمل انفجاری انقلابی در فلسطین اشغالی، بدست پلیس نیکا کودرتا ریخ ۲۸ مرداد ۵۸ دستگیر شد. علیرغم آنکه از طرف فلسطینی‌های مقیم آمریکا و برخی از نشریه‌های مترقی آن کشور تظاهراتی در حمایت از او و مسئله فلسطین برپا شد، دولت آمریکا تصمیم گرفت این دانشجوی مبارز را به اشغالگران صهیونیست تحویل دهد تا او را محاکمه کنند. چنین تصمیمی بکار برد - را دعای دروغین حکومت آمریکا را نشئت به حقوق بشر افشا کرده ما هیت آنان را بر همگان روشن ترمی - سارد.

آمریکا از تحویل محمدرضا پهلوی جلاد شاه انقلاب ایران جهت محاکمه او امتناع می - کند در حالی که مسئولیت قتل و شکنجه هزاران مبارز ایرانی و سرقت اموال مردم ایران را بعهده دارد. دولت آمریکا این جلاد

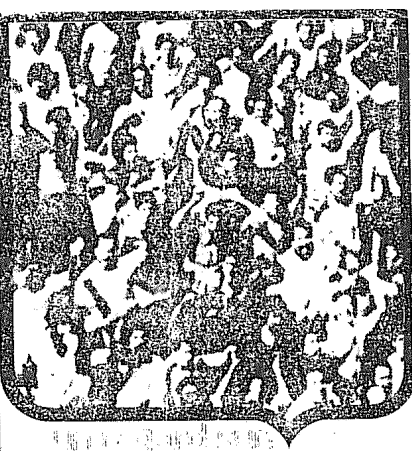
# گام ضروری و مثبت رفقای بلوچ را نپریک میگوئیم

صفحه ۶

از طرف هواداران سازمان در خارج از کشور کتاب:

نگاهی به زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن ماه

از انتشارات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به‌دو زبان عربی و فرانسه منتشر شد.



LES BASES ECONOMICO-POLITQUES DE L'INSURRECTION DE FEVRIER 1979 EN IRAN

نظرة على الخلفيات السياسية والاقتصادية لتفاضة بهمن ۵۷ شباط ۷۹

منظمة الكفاح من اجل تحرير الطبقة العاملة ايار ۷۹

## پیروز باد مبارزات عادلانه خلقهای لبنان و فلسطین

منطقه کشته‌وار آنان حمایت کرده ایم و در اینجا با رهبر پرپیروزی نهائی خلقهای لبنان و فلسطین و دیگر خلقهای عرب بر مثلث امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع تاکید می - ورزیم و همبستگی خود را با آنان مبارزات اعلام می داریم.

۲۳ آوریل برابر ۲۴ فروردین سال معاد است با سالگرد آغاز جنگ خونین داخلی لبنان. در چنین روزی سال ۱۹۷۵ اجرای سوظنه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی دست نیروهای دست راستی مسیحی (فالانژ - سنجا) آغاز شد. طی ۵ سال گذشته این جنگ جان فاجیع هولناکی را به بار آورده و جان و نامت دلیرانه‌ای از سوی نوده‌های ستمدیده لبنانی و فلسطینی بوقوع پیوسته است که نظیر آنرا کمتر در تاریخ مبارزات خلقهای توان سراع داد.

ما بارها از مبارزات خلقهای ستمدیده

**برای اول ماه مه**

از رفقا و دوستان تقاضا می شود سرود - ها، اشعار و طرحهای مناسب اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگران را، هر چه زودتر برای ما بفرستند. متشکریم.

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



● ما هرگونه اقدام تجاوزکارانه عراق علیه ایران را چه بصورت انفجارات و تحریک عناصر ناآگاه در خوزستان چه اخراج ایرانیان مقیم عراق و چه تبلیغات رادیویی و پناه دادن به تهاجم‌ها و رژیم شاه محکوم میکنیم.

# اختلافات ایران و عراق :

## نوظئته‌ای علیه خلقهای دو کشور

که از پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند بارها مورد قتل عام قرار گرفته اند و از سوی دیگر خود دستخوش انحرافات رویزیونیستی گشته اند. احزاب ناسیونالیستی چه در بین کردها ( حزب دموکرات کردستان) و چه در بین اعراب ( حزب بعث، جنبش ناسیونالیستیهای عرب، ناصریستها) پایگاههای وسیع پیدا کرده اند و هر یک بنوبه خود سعی در بدست گرفتن قدرت سیاسی داشته و بارها با توسل به کودتا و خونریزی و سرکوب نیروهای حریف چندصباحی در اس کار باقی مانده اند تا نوبت به دسته‌ای دیگر رسیده و قدرتمندان را از کار برکنار کرده است. برای مثال: کودتای انقلابی ملی عبدالکریم قاسم (۱۹۵۸)، کودتای عبدالسلام عارف (۱۹۶۲)، قتل او و روی کار آمدن عبدالرحمن عارف (۱۹۶۵)، کودتای حسن البکر - صدام حسین (۱۹۶۸) و بالاخره کناره رفتن حسن البکر و قدرت کامل صدام حسین (۱۹۷۹)، و در این میان چه بسیار کودتاها که کشف و خنثی شده و چه سرکوبها که علیه بلندشدن هر صدای اعتراضی عملی گردیده است.

جنگ عادلانه کردها برای احقاق حق تعیین سرنوشت بارها در کردستان عراق شعله ور شده و گاه چندسال پیاپی دوام داشته، موقتاً با سازش رهبران عشیرتی کردها و زمامداران بغداد فروکش کرده و طولی نکشیده که باز جنگ از سر گرفته شده است.

اختلافات بین ایران و عراق، حملات متقابل - دبیلماتیک و تبلیغاتی و تهدیدهای متبادل بین دو کشور، امرنازه‌ای نیست، بلکه سابقه چندین ساله دارد. اما این بار "چه کاسه‌ای زیر نیم کاسه" است؟ و موضع ما در قبال مسائلی که دولتهای عراق و ایران مطرح می‌کنند و توده‌های ستمدیده دو کشور را با آنها به اختلاف و درگیری می‌کشانند چیست؟

نگاهی به برجسته‌ترین خطوط سیمای رژیمهای دو کشور، و توجه به موضع بین‌المللی آنها و بویژه موقعیت مهمشان در منطقه غنی و نفتخیز خلیج فارس موضوع را روشن ترمی کند.

### نگاهی به وضعیت کشور عراق

۱ - عراق کشوری است با قریب ۱۰ میلیون جمعیت با اقتصاد متکی بر کشتا و رزی و صنایع کوچک نوپا و بطور عمده متکی بر صدور نفت خام.

۲ - عراق کشوری است چندملیتی مرکب از کردها در شمال و اعراب در دیگر مناطق کشور که دسته دوم بین خود اختلافات دیرینی از نوع شیعه ( در مناطق جنوبی و قسمتی از بغداد) و سنی دارند.

۳ - مبارزه طبقاتی در عراق از ۱۹۲۰ (سال استقلال عراق از استعمار انگلیس) پیچید، به ظهور احزاب مختلف و درگیریهای شدید بین آنان انجامیده است. کمونیستها

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

غلا و برسم ملی، سنم مذهبی نیز عمدتاً بشکل محرو -  
 سد حل عظیم جمعیت شیعیان عراق از بسیاری حقوق  
 احنا عیان عملی کنند است. تعداد شیعیان عراق  
 بزرگ بدینصورت جمعیت است. بین طبقات محروم  
 حابعد یعنی کارگران، دهقانان و دیگرزحمتکشان رشد  
 آگاهی انقلابی و سوسیالیستی هر چند قوی نیست و کار -  
 کران اردا سن حزب واقعی خود محرومند، اما روز بروز  
 بر میزان آگاهی آنان افزوده میشود و رژیم با فرمهای  
 کونا کون خود نتوانسته است اعتماد زحمتکشان را به  
 خویش جلب کند. نمود این عدم اعتماد در سیستم پلیسی بسیار  
 ناسیسی ای با دیدید که عرصه را بر زحمتکشان و روشن -  
 نگران نماینده آنان بشدت تنگ کرده است.

فرصتهای رژیم فعلی عراق را در اقداماتی میتوان  
 سال رد کرد در زمان روی کار آمدن حزب بعث (۱۹۶۸) در  
 جهت برپائی یکنوع اصلاحات به اصطلاح سوسیالیستی  
 رلی در واقع در راه تحکیم بورژوازی دولتی فاشیستی  
 تبلی گردیده است.

در عراق فئودالیسم اساساً نابود شده، صنایع و کار -  
 خانه های بزرگ، تجارت خارجی و حتی توزیع کلی فرا -  
 ورده های داخلی کاملاً در اختیار بخش عمومی است و تا  
 آنجا که اطلاع داریم صنایع نفت نیز ملی شده است. اما  
 اینها ندر دست قدرتی که نماینده زحمتکشان باشند  
 بلکه در دست دولتی است که نماینده بورژوازیها،  
 اربسان، بورژوازی کوچک و خرده بورژوازی مرفه و  
 مکی بر ارتش کد رهبری آنرا یک حزب ناسیونالیستی  
 ابراطی که بطرز شدیداً پلیسی سازمان یافته و مسلح  
 است. اگر دقیق تری کوئیم، قدرت در دست یک قبیله  
 است که حسن البکر و صدام حسین و بسیاری از رهبران رژیم  
 بدان منسب هستند یعنی قبیله "نکریتی"! بر عراق یک  
 رژیم نظامی - پلیسی سرکوبگر حکم فرماست. عراق از  
 زمان سقوط سلطنت (۱۹۵۸) تا امروز حتی یک مجلس شورای  
 ملی هم نخود ندیده است. بدین ترتیب رژیم فاشیستی  
 عراق حسی حاضر به حفظ ظواهر دموکراسی بورژوازی هم  
 نیست.

حزب بعث پس از بدست گرفتن قدرت دیگر نه حزبی  
 سابقاً خرد بورژوازی نسبتاً مترقی عرب - آنطور  
 که در اوایل سالهای ۱۹۴۰ تا نیمه ۵۰ بود - بلکه به  
 بورژوازی دولتی تبدیل شده است. عملکرد این حزب  
 در مقابلها جنش ملی کردها، در مقابلها کمونیستها  
 و جنش کارگران و دهقانان، در مقابلها احقاق حق  
 سنیان و دیگر فرقه های مذهبی، جز سرکوب چیز دیگری  
 نبوده است. شایان ذکر است که بیشترین فعالیت کمو -  
 نیستها همواره بین اقشار محروم کردها و شیعیان بوده  
 بطوریکه در سالهای ۶۰ نجف یکی از بهترین مراکز

کمونیستها بود و همیطور است کردستان، که پنا هگناه  
 داشمی آنان است. در ترسیم طرح کلی سیمای عراق  
 این نکته را نیز باید افزود که عراق را نمیتوان مانند

رژیم عراق هیچوقت بدون درگیری خارجی نفیس  
 نکشیده است.

رژیم شاه یا رژیمهای مشابه آن، مزدور امپریالیسم  
 دانست. معاملات خارجی عراق عمدتاً با امپریالیستهای  
 ژاپن، فرانسه، آلمان است و بسیاری از طرحهای اقتصادی  
 را این سه کشور به عهده دارند. امپریالیسم آمریکا و  
 انگلیس در درجات پنجم و ششم و پائین تر قرار دارند و  
 از نظر نظامی و تسلیحاتی عراق نیازمندیهایی خود را  
 عمدتاً از روسیه تامین میکند. بدین ترتیب وجود رابطه  
 اقتصادی با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی و در  
 درجات پائین تر با امپریالیسم آمریکا و انگلیس باعث  
 میشود که از نظر سیاسی رژیم عراق از موضع بورژوازی  
 قدرت مانور در چها رچوب سلطه امپریالیسم در سطح  
 جهانی داشته باشد. همچنین این قدرت مانور سیاسی  
 در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی نیز برای او وجود  
 دارد. بهمین لحاظ مشاهده میکنیم که عراق در رابطه با  
 مبارزه، اعراب علیه امپریالیسم و اسرائیل همواره  
 موضع گیریهای علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم  
 - البته عمدتاً بطور تبلیغاتی و در سطح شعاری و حرف -  
 دارد. و همچنین عراق هر زمان که مواضع شوروی در  
 قبال مسئله خاور میانه را نپذیرفته آشکارا علیه آن  
 موضع گرفته است.

عراق در رابطه با سرکوب داخلی همیشه یک سلسله  
 مسائل خارجی را عنوان کرده تا حتی الامکان مردم را از  
 پرداختن به مسائل درونی بازدارد. رژیم عراق هیچوقت  
 بدون درگیری خارجی نفیس نکشیده است:

درگیری با عبدالناصر، درگیری با سوریه، درگیری  
 با سادات، درگیری با ایران زمان شاه، (که برای خود  
 مشخصاً دلایل مهمیاهمبتردیگری نیز داشت)، درگیری  
 با الفتح، درگیری با کمونیستها، و اخیراً درگیری با  
 ایران جمهوری اسلامی.

## دلایل درگیری های ایران و عراق

هر چند درگیری با یک کشور خارجی جزء سیاست رژیم  
 فاشیستی عراق است اما در مورد دلایل درگیری عراق و  
 ایران می توان چنین گفت:  
 رژیم عراق از زمانی که احتمال روی کار آمدن  
 یک رژیم جمهوری اسلامی در ایران را پیش بینی میکرد  
 (پیش از سفر آیت الله خمینی به پاریس)، نسبت به این

# بقا، باد جمهوری دموکراتیک خلق

مسئله شدیداً حساسیت نشان می‌داد و حاضر بود با شاه هم - دست شود و علیه انقلاب خلقهای ایران توطئه کند. علت این وحشت را در تاسیس شریعتی، شیعیان عراق از انقلاب ایران با رهبری مذهبی (شعبی) با دیدید.

رژیم عراق بخوبی می‌دانده که شیعیان عراق چقدر از حکومت فعلی بغداد ناراضی اند و میدانده که روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران بهانه و درس خوبی به شیعیان عراق میدهد و آنها را بر دولت بغداد می‌شورانند. در همین جای یادآوری می‌کنیم که رهبری شیعیان عراق در دست روحانیت مرتجع قرار دارد. در عراق دستجات و شخصیت‌های بسیار مرتجع شیعه وجود دارند من جمله گروهی که خود را "حزب الدعوة" می‌نامد و رهبری آنرا سید محمد باقر صدر بعهده دارد. این حزب معتقد است "اگر دولت اسلامی بپا شود یا بیدبده آمریکا متکی بود یا شوروی و چون شوروی ملحد است پس باید به آمریکا اتکاء داشت". این گروهها نمیتوانند ستون پنجمی برای تحریک بیس شیعیان باشند، و از رنجها و ستمی که بر زحمتکشان می‌رود در راه برپائی یک شورش راست مذهبی سوءاستفاده کنند. این حزب مانند اخوان المسلمین در مصر و دیگر کشورهای عربی، حزب التحریر و جماعت العلماء پاکستان و دسته - های فتوادل و مرتجع اسلامی افغانستان به کمکهای آمریکا و سعودی متکی هستند و از سوی "برادرانشان" در ایران یعنی حزب جمهوری اسلامی مودحمایت کامل قرار دارند.

از فردای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران، به اصطلاح برای ما در کردن "انقلاب اسلامی" به درون عراق مرتب علیه عراق تحریک شده است. در مقابل عراق چه در پاسخ به اینگونه تحریکات و چه اساساً بخاطر برهم زدن اوضاع در ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرده است:

● انفجارات متعدد در خوزستان، چه در لوله‌های نفت، چه در مناطق مهم دیگر، ارسال و تربیت برخی افراد فریب خورده و واداشتن آنها به اقدامات تروریستی در ایران.

● راه انداختن حملات تبلیغاتی از طریق رادیو که وقیحانه حتی با استناد به روزنامه‌های انقلابی و چاپ مخفی دست به تبلیغات علیه ایران می‌زند و بخاطر جو انحصار طلبانه و تعصب آلود مذهبی و عملکردهای عقب مانده‌ای که رژیم ضدانقلابی کنونی ایران دارد شنونده - های زیادی از اقشار مختلف یافته است. امری که در حد خود بهیچوجه برای نیروهای انقلابی ایران امر خوش - آیندی نیست. رادیو عراق از ناحیه راست، از موضع ضدانقلابی به رژیم جمهوری اسلامی ایران حمله میکند.

پاسخ کمونیست‌ها به کسانی نظیر منته‌ها می‌رژیم - شاه سابق که برخی از آنها در عراق جمع شده‌اند، چیزی جز "خفه شوید!" نمیتواند باشد. هر چند که کمونیست‌ها خود از موضع انقلابی، از موضع حمایت از زحمتکشان، رژیم کنونی ایران را افشاء می‌سازند ولی اینگونه حملات رژیم عراق را نیز پاسخ دندان شکن خواهند داد.

رژیم عراق علیرغم اصلاحات گوناگون نتوانسته است اعتماد زحمتکشان عراق را بخوبی جلب کند، وجود سیستم پلیسی بسیار فاشیستی مبین این واقعیت است.

● اقدام دیگر دولت عراق اخراج نا جوان مردانه ایرانیان مقیم عراق است. ایرانیانی که سالیان دراز است که در جریان اختلافات بین دو کشور حکم سنگ زبرین آسیا را دارند. عراق با فاشیستی ترین برخورد ها آنها را از خانه‌های خود اخراج کرده و در بیابانها رها می‌کند. خلقهای ایران چنین ستم آشکاری را از جانب رژیم ضد خلقی عراق محکوم می‌نمایند.

● علم کردن مجدد موضوع جزایر سه گانه از جانب عراق در واقع وسیله ایست برای دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی ملت عراق و در جهت سیاست‌هایی که این رژیم در پیش گرفته است. سیاستی که در جهت پایمال کردن منافع خلقهای عراق قرار دارد.

آخرین اقدام ضد خلقی و فاشیستی رژیم عراق یعنی اخراج هزاران ایرانی شیعه مذهب از عراق و آواره کردن آنها در مرزهای بین دو کشور و علم کردن مسئله سه جزیره از جانب عراق امروز زمینه مناسبی بدست رژیم ایران داده است تا وضع ارتش را روسا مان دهد.

طبیعی است که مردم ما در مقابل اقدامات رژیم عراق ابراز تنفر می‌نمایند و احساسات آنان علیه این اعمال برانگیخته میشود اما آقای بنی صدر و شورای انقلاب و دولت و فرماندهان مزدور ارتشی، می‌خواهند از این فرصت استفاده کنند و با آماده باش دادن به ارتش تلاش می‌نمایند که وضع ناپسندمان ارتش را که در درون ارتش ناشی از مبارزات مستمر پرسنل انقلابی علیه فرماندهان مزدور و علیه نوسازی ارتش آریا مهربی می - باشد، سامان دهند. ما امکان درگیری‌هایی را بین ایران و عراق از نظر نمی‌اندازیم ولی آنچه مهم است این است که بنظر ما وضعیت اخیر بین ایران و عراق به رژیم ایران کمک می‌کند که ارتش را در "سال امنیست" آنچنان که می‌خواهد آماده نماید و بدین ترتیب که در آغاز سال ۵۹ به گردستان کرد، همچنان ادامه دهد.

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان

## بطور خلاصه:

۴

۵ - ما فاطما ندا علام می کنیم که بسیج نظامی و آماده باش ارتش ایران، اساساً نه برای مقابله با یک دشمن خارجی بلکه عمدتاً برای آزمایش نظام ارتش، برای آماده کردن این ابزار سرکوب، جهت قتل عام خلقهای مبارز ایران و ایجاد امنیت (که اساساً شب عید، نویدش را دادند!)، می باشد. نظیر این بسیج را چند ماه پیش نیز بهنگام میورش به کردستان شاهد بودیم که ضرورت آن برای التیام شکافهای درون ارتش مورد تصدیق سران خائن و آریا مهری ارتش بود.

۱ - ما هرگونه اقدام تجاوزکارانه عراق علیه ایران را جدی صورت انفجارات و تحریک عناصرنا آکاه در حورسان، جدا خراج ایرانیا ن مقیم عراق، جهت تبلیغات دروغزنا سه وراسنکرایا نه را دیوبغداد، وجه پنا ه دادن به سه ماده های رژیم گذشته را محکوم می کنیم.

۲ - ما هرگونه اقدام ایران برای تقویت گروهها و نیروهای ارتجاعی مذهبی وابسته به محافظ امپریا - لیسما آمریکا نظیر حزب الدعوه در عراق را محکوم کرده، آنرا در چارچوب استراتژی ضد کمونیستی آمریکا در منطقه برای حفظ منافعش و بقول خود آمریکا ثیان زیر پرچم اله می دانیم.

۳ - ما حمایت ایران از "فیاده موقت" و مسلح کردن آنان را جزئی از اقدامات تحریک آمیز ایران و کسانی امثال جرمان علیه عراق که به تیرگی روابط دو کسور می اسجا مد بشمار می آوریم.

۴ - ما طرح مسئله جزایر سه گانه خلیج را که از جانب عراق عنوان شده و رژیم ایران آنرا وسیله ای برای تحریک احساسات شوونیستی و بسیج نموده ها برای رسیدن به معاهدات انقلابی خود قرار داده است محکوم می کنیم و اعلام می داریم که خلقهای زحمتکش و نیروهای آکا دا ایران و عراق فریب اینگونه مسائل را نخواهند خورد.

چگونه رژیم ایران از "فیاده موقت" و یادسته های ارتجاعی مذهبی نظیر "حزب الدعوه" علیه رژیم عراق استفاده می کند؟

۶ - مشغول کردن خلقهای قهرمان ایران که در مرحله ای از اعتلای انقلابی جهت به پایان بردن انقلاب دموکراتیک خود بر می برند و مشغول کردن نموده های ستمدیده و زحمتکش عراق که مرحله ای از آرا مش قبل از توفان را می گذرانند، در چارچوب استراتژی امپریا - لیسما آمریکا می کنجد که می کوشد با طرح مسائل بسیار فرعی و جنک افروزی از حکومت سرمایه داران و از سلطه خونخوارانه خویش دفاع کند و مدتی دیگر نفت و دیگر ذخائر سرشار این منطقه غنی را بفارت برد و نیسروی انسانی و بازارهای خاورمیانه و خلیج را همچنان در تیول خود داشته باشد.

در آگاهی خلق بکوشیم و ارتجاع را در  
چهره ها و شگرد های رنگارنگش افشا کنیم!

برقرا ریاد وحدت رزمنده بین توده های  
زحمتکش ایران و عراق و کلیه خلقهای عرب!

مرگ برا امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۹

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست